هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ورزشی

نسیم جنوب

هشت صفحه ۵۰ تومان

شماره نوزدهم - یکشنبه ۱ آذر ماه ۱۳۷۷

سلامی و کلامی...

دایره محدود انتخاب مدیریت‌ها و لزوم شکستن آن

صفحه ۲

آزادی، ملازمهٔ حاکمیت دینی

صفحه ۸

مدیران بی‌سواد سدی برای توسعه

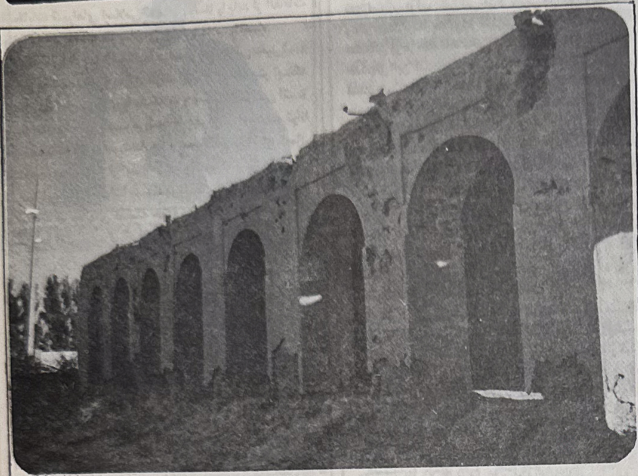
بیت خوانی در مجالس شادی

صفحه ۴

تیشه به ریشهٔ اسلام در بوشهر!

موقعیت استراتژیکی بوشهر در آستانه جنگ جهانی اول.

صفحه ۳



این عکس مربوط به منزل فرزند سردار شجاع جنوب، مرحوم خالو حسین بردخونی است. ساختمانی که موقع تخریب آن هیچ مسئولی اعتراض نکرد درحالیکه می‌توانست جزء میراثهای تاریخی و باستانی منطقه قرار بگیرد و مورد توجه و بازدید نسلهای آینده قرار گیرد که متأسفانه با کم‌لطفی مسئولین روبرو شد و صددرصد آن تخریب شد. ضمن تشکر از حسین کشاورز بخاطر ارسال این عکس.

آقای استاندار کاری کنید

ضرب و شتم جوانان و نوجوانان بوشهری همچنان ادامه دارد!

متأسفانه برخورد خشن و غیرمنطقی یکی از افسران نیروی انتظامی با جوانان و نوجوانان بوشهری همچنان ادامه دارد. در هفته گذشته خبری داشتیم از مراجعه چند جوان بوشهری به دفتر هفته نامه نسیم جنوب و اعتراض آنان به برخورد خشن یکی از افسران نیروی انتظامی که بدون دلیل آنان را در میدان امام (ره) بوشهر مورد ضرب و شتم قرار داده بود.

متأسفانه در روز گذشته بار دیگر این حادثه تلخ تکرار شد واینبار خبرنگار نسیم جنوب خود از نزدیک شاهد ماجرا بود. به گفته خبرنگار نسیم جنوب: «ظهر ساعت ۱۱:۳۰ جلوی ساختمان عکسباران ناگهان سر و صدای زیادی بلند شد، در همان حال جناب سروان... را دیدم که با لباس نیروی انتظامی و یکی دو نفر همراه، هر که را بر سر راه خودمی‌دید مورد ضرب و شتم قرار می‌داد که واقعاً صحنه‌ای زشت و تکان‌دهنده بود و جوانان و نوجوانانی که در محوطه ایستگاه اتوبوس بودند بدون اینکه هیچ کار خاصی کرده باشند، به نحوی ناشایست مورد کتک‌کاری قرار می‌گرفتند که این امر خشم و ناراحتی حاضرین را برانگیخت. خبرنگار ما در ادامه مشاهدات خود می‌افزاید: «در یک مورد دو نوجوان در حال صحبت با هم بودند که ناگهان غافلگیر شدند وگوش یکی از آنها به چنگ جناب سروان افتاد و چنان کشیده شد که گوئی در آستانه کنده شدن می‌باشد» خبرنگار ما از صحنه ناراحت کننده‌ای دیگری گزارش می‌دهد و آن حمله جناب سروان به یک جوان عصا به دست می‌باشد به گفته خبرنگار ما: «جوان دیگری که با عصا راه می‌رفت، غافلگیرانه و از پشت مورد ضرب و شتم قرار گرفت.» این جوان با بغض و پریشانی قبض عکس خود را به خبرنگار ما نشان داد وگفت که اینجا منتظر ایستاده بودم که عکسهایم را که به عکسباران داده‌ام ظاهر شود و نمی‌دانم که به چه دلیل مورد ضرب و شتم قرار گرفتم. به گزارش خبرنگار ما، ضرب و شتم جوانان و نوجوانان در حالی صورت می‌گرفت که آنان هیچ اطلاعی از دلیل این عمل نداشتند. نسیم جنوب ضمن ابراز تأثر از اینگونه برخوردهای دور از شأن نیروی انتظامی با جوانان و نوجوانان بوشهری، تأسف خود را از سکوت مسئولین و دست‌اندرکاران، خصوصاً استاندار بوشهر در این مورد اعلام نموده و مصراً به نمایندگی از افکار عمومی خواستار برخورد جدی استاندار به نمایندگی از وزارت کشور با اینگونه موارد بوده و از فرماندهان نیروی انتظامی نیز درخواست می‌نمائیم تا جلوی سوء استفاده این افراد محدود وانگشت شمار راگرفته که مسلماً اینگونه برخوردها به حیثیت نیروهای انتظامی خدشه وارد آورده و باعث ضایع شدن زحمات و تلاش دیگر خدمتگزاران نیروی انتظامی را فراهم می‌آورد.

۲۵۰۰ نفر در شوراهای شهر و روستای استان بوشهر

چند سؤال یک شهروند جوان از استاندار بوشهر

مژده وزیر کشور به مردم بوشهر:

از محل فروش هر متر مکعب گاز بوشهر، ۲ ریال برای توسعه استان بوشهراختصاص خواهد یافت.

صفحه ۲

ستاد برگزاری جشنواره مدرسه‌سازان استان بوشهر به منظور مشارکت افراد خیّر و نیک‌اندیش و تقدیر از این بندگان شایسته اقدام به برگزاری

«مسابقه شعر و مقاله‌نویسی»

تحت عنوان:

«باقیات الصالحات خیر عند ربک»

نموده است

لذا از تمامی هنرمندان، شاعران و نویسندگان محترم دعوت بعمل می آید آثار خود را تا مورخه ۷۷/۹/۱۲ به دبیرخانه ستاد برگزاری جشنواره مدرسه‌سازان استان بوشهر ارسال فرمایند. به آثار برگزیده هدایایی از قبیل ربع سکه بهار آزادی، ساعت مچی، ساعت دیواری و دیوان اشعار اهداء خواهد شد.

«ستاد برگزاری جشنواره مدرسه‌سازان استان بوشهر»

نشانی دبیرخانه ستاد برگزاری جشنواره مدرسه‌سازان: بوشهر، میدان دلیران تنگستان بلوار شهید چمران (چهاربانْدی) اداره کل نوسازی مدارس استان بوشهر تلفن: ۲۴۵۰۵-۲۴۹۳۹ فاکس: ۲۴۵۰۴

مدرسه سازی ذخیره آخرت است

جشنواره مدرسه سازان بوشهر

۱۷ لغایت ۱۹ آذر ماه ۷۷

«اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر، اداره کل نوسازی مدارس استان بوشهر»

«ستاد برگزاری جشنواره مدرسه‌سازان استان بوشهر، اداره کل نوسازی مدارس استان بوشهر»

تلفن: ۲۴۵۰۵-۲۴۹۳۹ فاکس: ۲۴۵۰۴

سلامی و کلامی....
یونس قیصی‌زاده

دایره محدود انتخاب مدیریت‌ها و لزوم شکستن آن

انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا را باید از اتفاقات مبارک و سرنوشت‌ساز سالهای بعد از انقلاب دانست.
بوسیله شوراها، مردم مستقیماً در مدیریت اجرائی دخیل شده و خود به تصمیم‌گیری می‌پردازند. این امر علاوه بر اینکه اقشار گوناگون مردم را با مشکلات و مسائل اجرائی آشنا می‌نمایند همچنین سبب می‌شود تا چهره‌های مستعد و توانا نیز کشف شده و از استعدادها و تخصصهای آنان کمال استفاده برده شود و از اینرو می‌توان شوراها را محلی برای عرضه نیروهای توانا در مدیریت‌های اجرائی دانست.
متأسفانه در سالهای گذشته حوزه مدیریتها بشدت بسته بوده و در اکثر موارد گروهی محدود و شناخته شده که بیشتر بر اساس گزینش‌های خاص و روابط مشخص شده انتخاب می‌گردیده‌اند، در دایره مدیریتهای گوناگون به ریاست مشغول بوده و از اینرو در سالهای گذشته تنها شاهد جابجائی‌هائی در سطوح مدیریتی بوده‌ایم، قبل از اینکه شاهد ورود و خروج اشخاص مختلف به حوزهٔ مدیریتی باشیم. البته این امر یک روال کلی است وگرنه بطور استثنا نیز هر چند وقت افراد اندکی از بیرون به حوزه مدیران افزوده شده‌اند. در هر حال شاید نبودن یک ارزیابی جدی و علمی از عملکرد مدیران در سالهای گذشته باعث این شده است تا اکثر رؤسا، دائم‌العمر بر صندلی ریاست تکیه زده و برای بعضی از آنان این توهم بوجود آید که شأن آنان کمتر از رئیس بودن و مدیر زندگی کردن نیست، این امر از آنجا تقویت می‌شود که در اکثر موارد روابط و معیارهائی غیر از مدیریت صحیح و تخصص کافی و شایستگی لازم، سبب انتخاب و ماندن مدیران شده است و لااقل این امور در مرتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. البته واضح است که از این گفته‌ها نمی‌توان استنباط نمود که در این سالها مدیران لایق و شایسته‌ای بر مسند امور قرار نگرفته‌اند بلکه پر واضح است که وجود همین مدیران شایسته و عملکرد صحیح آنان بوده که باعث رفع بسیاری از سوءمدیریتها در دیگر بخشها شده است. اما می‌توان گفت که هر چه دایره انتخاب مدیران و رؤسا محدودتر شود امکان انتخاب شایستگان نیز کاهش یافته و در نهایت بسیاری از افراد شایسته به کنار می‌مانند.
یک ایران آباد، نیاز به همکاری و بکارگیری همه ایرانیان دارد و با گزینشهای سلیقه‌ای و بسته نمی‌توان به آبادانی ایران امید چندانی بست. این مطالب پیش زمینه‌ای است برای مطرح کردن این سخن که باید شرایط به‌گونه‌ای فراهم آید تا صالحان و شایستگان جرأت ورود به عرصه رقابت انتخاباتی شوراها را بنمایند و فارغ از مسائل حاشیه‌ای به عضویت شوراها درآیند.
ناگفته پیداست که اکنون بسیاری از افراد شایسته، بیمناک از به خطر افتادن آبرو و شخصیت خود، از حضور در صحنه‌های انتخابات شوراها صرف‌نظر نموده‌اند، ایجاد زمینه‌ای که بتوان این ضمانت را به اشخاص شایسته داد که در بررسی صلاحیتها، سلیقه‌ای و گزینشی عمل نخواهد شد و مسائل حاشیه‌ای تحت توجه قرار نخواهد گرفت، بسیار ضروری است. این نوع برداشت باید در مراکزی که صلاحیت کاندیدها را بررسی می‌نمایند مورد توجه قرار گیرد. اداره اطلاعات، نیروی انتظامی، دادگستری و ثبت احوال و همچنین هیئتهای اجرائی از جمله این مراکزند.
در انتخابات شوراها اکنون دو مسئله بسیار مهم وجود دارد. نخست رفع موانع برای حضور هر چه گسترده‌تر مردم در این انتخابات و دیگری از میان برداشتن محدودیتها برای تشکیل شوراهایی کارآمد و فعال و شرکت شایستگان و افراد کارامد برای حضور در رقابت انتخاباتی.

۲۵۰۰ نفر در شوراهای شهر و روستای استان بوشهر

حدود ۲۵۰۰ نفر به عنوان اعضا اصلی و علی‌البدل شوارهای اسلامی شهر و روستا در استان بوشهر انتخاب می‌شوند.
معاون سیاسی و امنیتی استانداری بوشهر ضمن بیان این مطلب افزود: «این در حالی است که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون بیشترین انتخاب شوندگان در انتخابات این استان سه نفرومربوط به مجلس شورای اسلامی بوده است. وی که در نشست مشترک فرمانداران و بخشداران صحبت می‌کرد افزود: اگر بطور متوسط ۵ هزار نامزد در این استان تأیید شود و با احتساب ۱۰ نفر برای حضور در ستادهای انتخاباتی این افراد، قریب به ۵۰ هزار نفر در سطح استان بطور مستقیم برای کاندیداها فعالیت خواهند کرد.
امامی همچنین گفت: در روستاهای کمتر از ۲۰ خانوار و عشایر انتخابات برگزار نخواهد شد.
وی افزود: «با توجه به نقش تعین‌کننده آراء محدود در سرنوشت انتخابات روستاها و تبعات منفی استفاده از آراء نیروهای غیربومی، برگزارکنندگان باید دقت لازم برای احراز سکونت یکساله افراد در زمان اخذ رأی را در نظر داشته باشند.»

تیشه به ریشهٔ اسلام در بوشهر!

روزنامه ایران به نقل از امام جمعه بندر دیر نوشت: «برخی نشریات محلی استان بوشهر، در یک حرکت خزنده تیشه به ریشه اسلام می‌زنند، با وجود اینکه افرادی در این نشریات فعالیت دارند که مسئولان نظام را سرزنش می‌کنند، اما هیچ کس به آنها حرفی نمی‌زند و آب از آب تکان نمی‌خورد. مطلبی که اخیراً تحت عنوان نقد و نظر عملکرد نماینده مردم شهرستانهای دشتی، کنگان، دیر و تنگستان در دو هفته نامه محلی استان بوشهر چاپ شد، نمونه‌ای از اقدامهای این نشریات برای تضعیف برنامه‌ها و شخصیتهای نظام است. نویسندگان و دست‌اندرکاران این نشریات، خود را مؤمن، متقی و نمازگزار نیز قلمداد می‌کنند، اما به خدا سوگند، اینها مفهوم نماز و تقوا را نمی‌دانند.»
لازم به ذکر است که هفته نامه نسیم جنوب در شماره شانزدهم خود مقاله‌ای تحت عنوان «آقای نماینده از ما به شما نصیحت» درخصوص طرح جدید نماینده دشتی و ... به مجلس شورای اسلامی به چاپ رساند، در این طرح این نماینده پیشنهاد داده بود که: «هرگاه کمیسیون اصل ۸۸ و ۹۰ مجلس شورای اسلامی نسبت به یک وزیر سه بار سؤالات انجام شده از طرف نمایندگان مجلس را قانع کننده تشخیص ندهد آن وزیر برای ادامه کار وزارت پس از ده روز مجدداً باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد.»
در قسمتی از این مقاله خطاب به این نماینده آمده بود: «شما که هیچ نیازی به سؤال نمودن از وزراء تاکنون نداشته‌اید، پس چگونه است که اکنون ناگهان کاغذ به دست گرفته و برای تحت فشار قرار دادن هیئت دولت، خواستار تصویب این چنین طرح عجیبی می‌شوید ... آیا فکر نمی‌کنید که خدای ناکرده بر اساس دستور جناح همفکر خود، وظیفه اجرای یک سناریوی دیگر را بر علیه دولت عهده‌دار شده‌اید؟» در قسمتی دیگر از این مقاله آمده بود: «آیا در این لحظات حساس و با کمبود وقت و مشکلات مردم استان، و محرومیتهایی که هر روز بیشتر می‌شود، آیا پیشنهاد اینگونه طرحها از طرف ایشان نباید تعجب موکلین را برانگیزد؟»

سکوت مجامع دینی و علمی بوشهر در درگذشت علامه محمدتقی جعفری

در هفته گذشته، استاد علامه محمدتقی جعفری فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلامی در سن ۷۳ سالگی به دیار باقی شتافت.
استاد جعفری در سال ۱۳۰۴ در تبریز متولد شد و پس از اتمام تحصیلات و مطالعات اولیه در حوزه‌های علمیه ایران به نجف اشرف عزیمت کرد.



استاد علامه محمدتقی جعفری با اشراف به فقه، فلسفه شرقی و اسلامی، حقوق، فلسفه و هنر و زیباشناسی در اسلام، حاصل نیم‌قرن فعالیتهای علمی و تحقیقی خود را در افزون بر ۱۰۰ کتاب و رساله تقدیم جامعه علم و اندیشه ایران و جهان کرده است. این فیلسوف بزرگ همه زندگی خود را وقف تالیف کتابهای گوناگونی نمود.استاد جعفری علاوه بر این، ۷۰ جلسه بحث و گفتگو با شخصیتهای بین‌المللی همچون برنارد ارتور، ویلیام راسل، پرفسور عبدالسلام، روژه گارود و پرفسور روزنتال داشته است. این فیلسوف بزرگ همچنین بیش از ۱۲۰ مقاله در زمینه‌های معارف اسلامی، عرفانی، فلسفی و علمی در سمینارهای بین‌المللی ارائه کرده بود. در مهرماه سال گذشته آقای خاتمی، رئیس جمهوری به پاس خدمات و تلاشهای پنجاه ساله استاد فرزانه علامه محمدتقی جعفری در عرصه علم و اندیشه، در گردهمائی «نکوداشت منزلت علمی استاد علامه جعفری» به ایشان نشان «درجه یک دانش» اعطا کرد.
مرگ این عالم‌فرزانه، متأسفانه با سکوت در بوشهر سپری شد و از طرف حوزه و دانشگاههای بوشهر در زمینه بزرگداشت یاد ان استاد، هیچگونه اقدامی صورت نگرفت.
هفته نامه نسیم جنوب این ضایعه رابه فرهیختگان فرهنگ و ادب و نیز خانواده آن علامه بزرگوار تسلیت می‌گوید.

از خصوصیات بارز تشکیل شوراها، علاوه بر دعوت مردم در مشارکت، دخالت آنان در مدیریت کشور است.

استاندار بوشهر ضمن بیان این مطلب افزود: «با برگزاری این انتخابات، ساختار شواریی نظام جمهوری اسلامی برای اولین بار عرضه می‌شود و بسیاری از توفیقات جدید در پرتو حضور سازمان‌یافته منظم و منسجم نصیب نظام و ملت خواهد شد.»
وی در نشست مشترک فرمانداران و بخشداران این استان سخن می‌گفت. ایجاد داد و ستد منطقی بین مردم، مدیران و تصمیم‌گیرندگان جامعه، انتقال مشکلات مردم با دولت و هماهنگ کردن توقعات مردم متناسب با امکانات و برخورداریهای دولت را از دیگر پیامدهای این انتخابات ذکر کرد. وی تصریح کرد: شرط ترکیب شوراها در این انتخابات به عنوان همراهی و همخوانی قوی با سیاستهای دولت نیست و عنایت برگزارکنندگان، ایجاد فضای سالم برای حضور بانشاط مردم با سلیقه‌های مختلف است.



مژده وزیر کشور به مردم بوشهر: از محل فروش هر متر مکعب گاز بوشهر، ۲ ریال برای توسعه استان بوشهر اختصاص خواهد یافت.

وزیر کشور در جلسه شورای اداری استان بوشهر اعلام نمود که از محل صدور هر متر مکعب گاز استان بوشهر، ۲ ریال برای توسعه استان بوشهر اختصاص خواهد یافت. موسوی‌لاری عنوان نمود که این طرح بزودی در هیئت دولت تصویب خواهد شد.
اعلام این مطلب نشان از به ثمر رسیدن تلاشهای استاندار بوشهر در جهت بهره‌مندی استان از مزایای پالایشگاه گاز در استان دارد.
در این جلسه همچنین استاندار بوشهر در سخنانی به محرومیتهای این استان اشاره نمود و اظهار داشت: «استان بوشهر یکی از محرومترین مناطق کشور در امر توسعه صنعتی در ایران است» علاوه بر استاندار، نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی نیز کمبودها و محرومیتهای این استان را برشمردند.
وزیر کشور در سفر خود به بوشهر همچنین در جمع روحانیون استان حضور یافت و به ایراد سخنرانی پرداخت. وزیر کشور در این سخنرانی، عوام‌زدگی را خطری جدی برای روحانیت تشیع دانست.
مردم کنگان نیز پذیرای وزیر کشور بودند. موسوی‌لاری در جمع مردم کنگان از همدلی که بین اهل تسنن و تشیع در این منطقه است تشکر و قدردانی نمود. در این اجتماع فرماندار کنگان محرومیتهای این منطقه را به اطلاع وزیر کشور و هیئت همراه رساند.
وزیر کشور همچنین در جمع مردم برازجان نیز حضور یافت و درخصوص راه‌اندازی کارخانه سیمان توضیحاتی ارائه داد.
موسوی‌لاری در این سخنرانی اظهار داشت: «تا رفع محرومیتها راهی طولانی در پیش است. وزیر کشور در سفر خود به بوشهر در شهرستان تنگستان نیز حاضر شد و در سخنانی خطاب به مردم این شهرستان اظهار داشت: «امروز در پرتو تعالیم عالیه قرآن مجید، راهنمانی‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی و منویات رهبر عزیز انقلاب، رئیس جمهور کشورمان در قلب جامعه بین‌المللی راهی را گشوده که قرن ۲۱ میلادی با نام ایران آغاز می‌شود.»
وزیر کشور گفت: متأسفانه به رغم اهمیت این موضوع، رسانه‌های همگانی خودی، به این واقعه مهم و موجی که این حرکت در جهان ایجاد کرده است کمتر پرداخته و کمتر به اطلاع مردم رسیده است.
همچنین وزیر کشور در مسجد جامع عطار بوشهر ودر اجتماع مردم این شهر نیز سخنرانی نمود که با استقبال اقشار مختلف مردم رو به رو گشت. وزیر کشور با برشمردن نقاط قوت دولت آقای خاتمی در زمینه سیاست خارجی با نامگذاری سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفتگوی تمدنها را ناشی از برداشت افکار عمومی دنیا نسبت به جمهوری اسلامی دانست.
وی در بخش دیگری از سخنان خود به فروش نفت به قیمت هر بشکه ۹/۵ دلار اشاره کرد و افزودهر چند که جهت مقابله با آثار این بحران جهانی تمهیدات خوب اندیشیده شده،
ولی به هر حال اقتصاد کشور فارغ از آن نخواهد بود و دولت امیدوار است که با تکیه بر توانایی‌های منطقه‌ای گامهای مؤثری در جهت بالا رفتن نرخ رشد برداشته شود. وی با اشاره به بازارچهٔ مرزی به عنوان یک تجربهٔ موفق در استان بوشهر اظهار امیدواری کرد که با پیگیریهای استاندار ارز بیشتری به این بازارچه اختصاص داده شود.
آقای موسوی لاری همچنین به امکانات مساعد استان در زمینه شیلات و کشاورزی اشاره کرد و گفت که توسعه این دو بخش نیز می‌تواند کمک مؤثری در جهت رونق اقتصاد استان باشد.
وی همچنین به تصویب منطقهٔ ویژهٔ نفتی استان بوشهر با اختصاص اختیارات ویژه به استانداری بوشهر در هیئت مدیره آن در شورای اقتصاد اشاره کرد و گفت که با توجه به حضور شخص استانداری بوشهر در هیئت مدیره آن در شورای اقتصاد اشاره کرد و گفت که با توجه به حضور شخص استاندار در هیئت مدیره این منطقه سهم بیشتری از امکانات شغلی ان نیز به جوانان استان اختصاص خواهد یافت ضمن اینکه مقدر شده است که درصدی از درآمد ان نیز مستقیماً به توسعه استان اختصاص یابد.
وی همچنین افزود که با نظر مساعد شخص رئیس جمهور مقرر شده است که بابت استحصال هر متر مکعب گاز از استان دو ریال از درآمد ان جهت توسعه و عمران استان اختصاص یابد. در پایان جلسه یکی از حضار برخاست و ضمن گلایه از استانداری و آموزش و پرورش درخصوص واگذاری دبیرستان دخترانه محمد سعیدی در کوی بنمانع شهر بوشهر به آموزشکده فنی و حرفه‌ای اعتراض نموده و خواستار حل این مسئله توسط وزیر کشور گردید.

روسری آبی در کانون فیلم

در هفته آینده کانون فیلم فرهنگسرای بوشهر استثنائاً روز شنبه مورخه ۱۷ آذر اقدام به پخش فیلم روسری آبی به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد خواهد کرد. علاقمندان میتوانند رأس ساعت ۴ بعدازظهر در سالن شهید مفتح روبروی سینما بهمن حضور به هم رسانند.

خبرهای کوتاه از استان بوشهر

نشست شاخص عملکرد واحدهای بازرگانی
● اولین نشست شاخص عملکرد واحدها و ادارات بازرگانی استان بوشهر برگزار شد. در این نشست مدیر کل بازرگانی بر نقش برنامه‌ریزی جهت ایفای نقش فعال در توسعه اقتصادی استان تاکید نموده است.

اولین مجمع عمومی دبیران بوشهر
● اولین مجمع عمومی دبیران مقطع متوسطه شهرستان بوشهر تشکیل گردید. در این جلسه مدیر کل آموزش و پرورش استان، از دبیران خواسته‌اند ضمن تلاش در جهت پیشبرد علمی، مسائل تربیتی شاگردان را نیز مدنظر قرار دهند. در پایان این مجمع سرگروههای ۱۷ رشته معرفی شدند.

مشکلات واحدهای تولید و پرورش میگو
● مهمترین مشکلات واحدهای تولید و پرورش میگو منطقه حله کمبود لارو میگو، کمبود غذائی میگو و برقرار نشدن منطقه حله است. به گزارش روابط عمومی اداره تعاون استان بوشهر، پیش‌بینی می‌شود که امسال حدود ۳۲۰ تن میگو توسط ۴۰ واحد پرورش میگوی بخش تعاون و خصوصی منطقه حله برداشت شود.

آموزش و پرورش و نمایشگاه کتاب
● از طرف اداره آموزش و پرورش استان بوشهر، ۱۵ نمایشگاه متمرکز کتاب ویژه دوره تحصیلی ابتدائی، راهنمائی، متوسطه برگزار گردید. این نمایشگاهها در ۸ شهرستان و ۷ منطقه آموزش و پرورش استان برپا گردیده بود. همچنین مراسم جشن کتاب در مدارس ابتدائی نیز برگزار شد.

جلسه خیرین و آموزش و پرورش تنگستان
● جلسه مشترک خیرین و شورای آموزش و پرورش شهرستان تنگستان تشکیل گردید. در این جلسه دبیر شورا و فرماندار تنگستان در مورد اهمیت و نقش مشارکتهای مردمی سخنانی ایراد نمودند. در این جلسه تعداد ۷ نفر از خیرین به عنوان نماینده خیرین شهرستان و رابطین شورا معرفی گردیدند.

ساخت پایانه مسافربری شهر بوشهر
● امسال سه میلیارد ریال اعتبار در قالب تسهیلات بانکی برای ساخت پایانه مسافربری شهر بوشهر اختصاص یافته است. به گفتهٔ معاون فنی و خدماتی شهری شهرداری بوشهر، به زودی عملیات اجرائی این طرح در سطح ده هزار متر مربع آغاز می‌شود به گفته وی هم اکنون با هزینه ۸۰۰ میلیون ریالی، کار آماده‌سازی زمین این پایانه انجام شده است. استان بوشهر درحال حاضر فاقد یک پایانه مسافربری مستقل است.

شرکت یکهزار و ۶۰۵ نفر در آئین اعتکاف
● به گفته مسئول سازمان تبلیغات اسلامی‌استان بوشهر امسال یکهزار و ۶۰۵ نفر در آئین اعتکاف شرکت کردند. در بین شهرستانهای استان، شهرستانهای بوشهر با ۵۱۰ نفر و دیر با ۳۵ نفر بیشترین و کمترین تعداد شرکت‌کننده را به خود اختصاص داده‌اند. به گفته وی ۸۷۳ نفر از معتکفان را زنان و ۱۰۳ نفر را نیز دانشجویان شامل می‌شده‌اند.

دوره آموزش مدیریت بهداشت میگو
● دوره آموزش آشنائی با بیماریها و مدیریت بهداشت میگوی پرورشی با همکاری مرکز آموزش عالی و صنایع شیلاتی خلیج‌فارس و مؤسسه تحقیقاتی که کوچین کشور هند در بوشهر برگزار شد. در این دوره ۱۸ نفر از کارشناسان ارشد و دکترای علوم شیلاتی از سراسر کشور شرکت داشتند.

افتتاح ساختمان جدید فرمانداری تنگستان
● با حضور وزیر کشور، ساختمانهای جدید فرمانداری و اداره آموزش و پرورش شهرستان تنگستان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این بناها با دوهزار و ۴۰۰ متر مربع زیربنا و ۱۱ هزار مترمربع مساحت در مجتمع اداری شهر اهرم ساخته شده است.

کشفیات نیروی انتظامی بوشهر
● به گزارش عقیدتی سیاسی ناحیه انتظامی بوشهر، در آبان ماه سال جاری مأمورین این ناحیه موفق به کشف کالاهای قاچاق بسیاری گردیدند، این کالاها شامل تریاک، ریسور ماهواره، ساعت، قیچی کشاورزی، ولت‌متر، برنج، پارچه خارجی، استکان و نعلبکی، سیگارت خارجی، نوار ویدئو، چای، دیسک کامپیوتر، فیلم عکاسی، کفش و .. می‌باشد

قهرمانی تیم ملوان بوشهر
تیم ملوان بوشهر قهرمان مسابقات فوتبال لیگ دسته اول استان بوشهر شد. این تیم به مربی‌گری حمید کللی‌فرد در آخرین بازی خود مقابل مقاومت بوشهر تساوی ۲ بر ۲ تن داد ولی با این وجود توانست به مقام اول دست پیدا کرده وبه عنوان نماینده استان در لیگ زیر گروه کشوری حضور یابد. تیم مقاومت بوشهر نیز دوم گردید.

انتخابات مجامع امور صنفی برگزار گردید.
سرپرست اداره امور اصناف و بازرگانی اداره کل بازرگانی در این زمینه گفت: «در پی شمارش آراء، مصطفی گراشی، عبدالمجید رجبی و عبدالعزیز رجبی به ترتیب به سمت رئیس، نائب رئیس و منشی مجمع امور صنفی، توزیعی، خدمتی انتخاب شدند.»
همچنین احمد گزی، الله کرم مفتخر و سیدعبدالله هاشمی نیز به سمت رئیس، نائب رئیس و منشی مجمع امور صنفی، تولیدی خدمات فنی بوشهر برای مدت یکسال انتخاب شدند.

جنگ شادی در بوشهر
به مناسبت هفته بسیج کانون امام (ره) اقدام به برگزاری جُنگ شادی که شامل نمایشهای طنز به همراه موسیقی محلی و مسابقه است، خواهد کرد. این جُنگ از تاریخ دوشنبه ۲ آذر الی ۵ آذر از ساعت ۴ بعدازظهر در کانون امام خمینی، جنب سینما بهمن برگزار می‌گردد.

موقعیت استراتژیکی بوشهر در آستانه جنگ جهانی اول.

احمد دشتی کارشناس ارشد تاریخ

بوشهر کنونی در نیمه قرن هیجدهم میلادی به روزگار پادشاهی نادرشاه بنا نهاده شد. سپس در طول سلطنت کریم‌خان زند بر بندرعباس و بندر ریگ، دو رقیب عمده خویش، برتری یافت. سرانجام تا پایان قر ن هیجدهم با تصرف بصره توسط قوای زندیه، بوشهر بندر اصلی و عمده سراسر خلیج‌فارس گردید. انگلیسی‌ها در سال ۱۱۷۵ق/ ۱۷۶۲م نمایندگی سیاسی خود را در بوشهر تأسیس کردند.(۱) و از آن پس تا حدود یک قرن بطور مستمر به افز ایش نفوذ خود در خلیج‌فارس مشغول بودند. کم‌کم شیخ‌نشینهای ساحل جنوبی خلیج‌فارس تابع انگلستان شدند. (۲) از این رو سیاست و تجاوز انگلستان در قرن نوزدهم میلادی در بخش وسیعی از خلیج‌فارس جریان داشت، و مرکز هدایت آن نیز بوشهر بود. در اواسط قرن نوزدهم دو تحول عمده اوضاع خلیج‌فارس را به آرامی دگرگون ساخت: اول تأسیس حکمرانی بنادر و جزایر خلیج‌فارس با مرکزیت بوشهر بود که به دو لت ایران امکان نظارت مستقیم بر سواحل خود در خلیج‌فارس می‌داد، دوم به قدرت رسیدن مدحت‌پاشا در عراق بود که از جمله اقدامات او توسعه و تقویت دریانوردی و بازرگانی بصره بود که به دلیل گرایش دولت عثمانی به آلمان به ضرر انگلستان تمام شد. (۳) همچنان که بصره توسعه می‌یافت، بوشهر نیز در زمینه‌های مسائل اقتصادی و فرهنگی به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای می‌رسید و در سراسر قرن نوزدهم میلادی، بوشهر مقام خود را همچنان به عنوان بندر اصلی ایران حفظ کرد. بوشهر در حقیقت دروازهٔ جنوبی ایر ان بود و انگلستان در شرایط سیاسی دشوار با تحت فشار قرار دادن آن، قاجاریه را به تمکین در برابر خواسته‌های خود وادار نمود.

در سالهای آغازین قرن بیستم میلادی، مرکز قدرت انگلیس در جنوب ایران، شهر بوشهر بود. یک گزارشگر فرانسوی که در سالهای آغازین انقلاب مشروطه ایران به بوشهر سفر کرده بود، دربارهٔ نفوذ و موقعیت انگلستان، در این شهر می‌نویسد: «... بوشهر در حقیقت مرکز اصلی مؤسسات انگلیسی در جنوب است خانهٔ نمایندهٔ انگلستان در «سبزآباد»، ساختمانها و تأسیسات تلگرافی، ... همه نشان‌دهندهٔ قدرت و نفوذ انگلیسیها در این منطقه است. بوشهر تنها شهر ایران است که در آن زبان انگلیسی رواج دائمی دارد. بازرگانان ارمنی و زرتشتی، کارکنان هندی، زمین‌داران بزرگ جنوب ایران، ... تحت نفوذ انگلیسیها هستند.»(۴) انگلیسی‌ها چنان در بوشهر ریشه دوانیده بودند که اساساً این شهر را بیش از آن که متعلق به ایران و شهری « ایرانی» بدانند، مر کزی متعلق به دولت بریتانیا می دانستند. در این زمینه سند جالب توجهی در خاطرات «دکتر محمد مصدق» وجود دارد.

دکتر مصدق در اینباره می‌گوید: «یکی از شبها در کشتی، بعد از صرف شام، و سرپرسی کاکس وزیر مختار انگلیس که امضاءکننده قرارداد وثوق‌الدوله بود از من پرسید: آیا شما وزیر عدلیهٔ ایران هستید؟ گفتم: بله. گفت، من سرپرسی‌کاکس‌ام و اکنون کمیسر عالی عراق شده‌ام و به محل مأموریت خود می‌روم. چون مأموریت خود را گفت از او سؤال کردم: «آیا ممکن است من از بصره با راه‌آهن به بغداد بروم و از بغداد به تهران حرکت کنم؟» گفت: «من فردا در عدن پیاده می‌شوم و تحقیق می‌کنم. اگر ممکن باشد فردا شب بعد از صرف شا م به شما جواب می‌دهم.» فردا شب به من گفت: «مطابق تحقیقاتی که به عمل آوردم راه‌آهن بصره به بغداد را اعراب خراب کرده‌اند و قابل عبور نیست.» گفتم: «بنابراین در بندر خودمان پیاده می‌شوم.» گفت: «بندر خودتان کجاست؟» گفتم: «بندر بوشهر». گفت: «بندر بوشهر بندر ایران است؟» گفتم: «ما ایرانیان آنجا را بندر ایران می‌دانیم.» خندید و هیچ نگفت...»(۵) لردکرزن در سال ۱۳۰۹ ق / ۱۸۹۲ م در مورد خلیج فارس اینگونه اظهار نظر می‌کند: «... من واگذاری یک بندر را در خلیج فارس به روسیه، به وسیلهٔ هر قدرتی که باشد به مثل دشنام به انگلستان ... و تحریک عمد به جنگ دانسته... و او را متهم به خیانت به کشورش می‌کنم.»(۶) تقریباً تمام تجارت جنوب ایران در دست انگلیسیها بود. مجموع کالاهایی که در سال ۱۳۱۸ق/ ۱۹۰۰ م به گمرکات جنوب وارد شده بود، بالغ بر یک میلیون و بیست و پنج هزار تن می‌گردید که از این مقدار حدود ۹۰۰ هزار تن آن منحصراً از انگلستان فرستاده شده بود. دامنهٔ این تجارت به میزانی بوده که کارخانه‌های انگلیسی به فکر فروختن ماشین لباسشوئی به ایرانیان در اواخر قرن نوزدهم می‌افتند.(۷) لردکرزن در سال ۱۳۱۸ ق/ ۱۹۰۰م طی تلگرامی به وزارت امور هندوستان گزارش می‌دهد که: «... اکنون وقت آن است که کیفیت و کمیت منافع بریتانیای کبیر و هندوستان در جنوب ایران را به دولت ایران گوشزد نمائیم.»(۸) بدیهی است مسئله‌ای که در تداوم تجارت انگلستان در جنوب اهمیت بسیار داشت، همان امنیت راههای مسیر کاروان بود. سرپرسی کاکس کنسول دولت انگلیس در بنادر جنوب طی تلگرام ۱۳۲۸ق/۱۹۰۹م. به سرادوارگری خاطرنشان می‌سازد: «... آن چیزی که تمام کارها بسته به وجود اوست عبارت است از امنیت راههای کاروان است.»(۹) تجار انگلیسی برای امنیت بیشتر، گاه درصدد تغییر مسیرهای حرکت کاروان برمی‌آمدند. علیرغم این امر، کاروانهای تجاری مکرراً مورد دستبرد واقع می‌شدند.(۱۰) علاو ه بر اعادهٔ امنیت جهت منافع تجاری، رقابت و توجه دولتهای بزرگ به خلیج‌فارس و جنوب ایران، حضور فعال دولت انگلستان را در آن مناطق بیشتر موجه می‌ساخت. روسها، آلمانها، فرانسوی‌ها و ترکهای عثمانی تا سال ۱۳۱۹ق/ ۱۹۰۱م. دفاتر کنسولی خود را در بوشهر افتتاح کردند و بوشهر اهمیت بین‌المللی یافت و کشتی‌های آلمانی، روسی و فرانسوی رفت و آمد خود را به بوشهر آغاز نمودند.

در مقابل این اقدامات، انگلستان همچنان به حفظ موقعیت خود در بوشهر امید بسته بود. در هیچ جای خلیج‌فارس بندری وجود نداشت که مانند بوشهر از امکانات مواصلاتی و وسایل ارتباطی جدید برخوردار باشد. بصره نیز در اختیار جبههٔ مقابل و مخالف انگلستان قرار داشت. به همین خاطر در آستانه جنگ جهانی اول

انگلیسی‌ها چنان در بوشهر ریشه دوانیده بودند که اساساً این شهر را بیش از آن که متعلق به ایران و شهری « ایرانی» بدانند، مرکزی متعلق به‌دولت بریتانیا می‌دانستند.

در پوشش ظاهری آرام، بوشهر و منطقه اطراف آن بخصوص در امتداد جاده تجاری بوشهر - شیراز عرصه رقابت، میان نیروهای مختلف داخلی و خارجی شد. انگلستان در این میان آلمان را رقیب اصلی خود می‌دید و نیروهای بومی نیز با محاسبه منافع محلی - یا اندیشه‌های ملی خود، به تعیین مواضع خویش مشغول شدند.

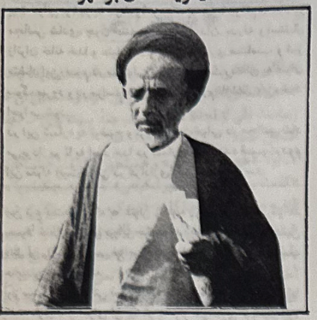
رخدادهای انقلاب مشروطه در جنوب ایران، بخصوص در اواخر دوران استبداد صغیر و به سال /۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م. به ضرر انگلستان سیر نمود. (۱۱) بطور کلی مو اضع عملکرد انگلستان در قبال رخدادهای مشروطه‌خواهی در جنوب ایران با تهران متفاوت بود. در جنوب ایران، روسها حضور فعال نداشتند، لذا ابعاد ضداجنبی انقلاب مشروطه اساساً متوجه انگلستان می‌شد. (۱۲) نارضایتی تجار محلی از سلطه انگلیسی‌ها بر مسائل اقتصادی بوشهر با توجه به شرایط تجاری مطلوب‌تری که کمپانی ونکهاوس آلمانی ارائه می‌داد، تشدید می‌شد. طبقات فرودین اجتماع بوشهر از جمله کارگزاران بندر نیز همیشه مخلّ اقدامات انگلیسیها بودند. کارگران بندری بوشهر اغلب از مهاجران تنگستانی بودند. آنان نیز به عنوان گروهی که بارها در امور سیاسی بوشهر مداخله کرده، اسباب شکست و دردسر انگلیسیها را فراهم نموده بودند، به مخالفت خود با بیگانگان ادامه می‌دادند. با استفاده از چنین شرایطی رئیسعلی دلواری در سال ۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹م. در پیوند با قیام عمومی مردم علیه استبداد صغیر، همراه با آیت‌الله سید مرتضی علم‌الهدی که در بوشهر زندگی می‌کرد، به یاری مردم شتافته، بوشهر را تصرف کرد.(۱۳) تجار ساکن بوشهر با نیروهای ملی و مذهبی مانند رئیسعلی دلواری و آیت‌الله سیدعبدالله بلادی - صاحب اثر ارزشمند لوایح و سوانح - ارتباط نزدیکتری برقرار ساختند و نیروی قابل توجه فرهنگی بوشهر که محصول مدرسه سعادت و گسترش فعالیتهای مطبوعاتی و فکری مانند روزنامهٔ مظفری و انجمنهای سیاسی در بوشهر بود،(۱۴) نیز به نحو مؤثری در میدان تلاش قدم نهاد. مقابلهٔ سیاسی - اقتصادی نیروهای ملی و اسلامی بوشهر با استعمار در آستانهٔ جنگ جهانی اول، با فعالیتهای گسترده‌تر نمایندگی آلمان بخصوص واسموس مقارن گشت و نامبرده با فراست دریافت که بوشهر از کانونهای مهم ضداستعماری ایران و مراکز اصلی ارتباطی آن با شیراز، برازجان، کازرون، تنگستان و دشتی است.

پیدایش این کانونهای فعالیت ضداستعماری به هیچ وجه حاصل اقدامات آلمانی‌ها نبود، اما شکی نبود که آنان می‌توانستند در محاسبات خود بر آن انگشت گذارند.

با شروع جنگ جهانی اول و پیوستن عثمانی به اتحاد مثلث، منابع نفتی انگلستان در خوزستان و امکان استفاده از آن برای نیروی دریائی خود در وضع خطرناکی قرار گرفت. از سوی دیگر بوشهر به عنوان باارزشترین نقطهٔ ارتباطی، اقتصادی و سیاسی خلیج‌فارس کانون فعالیتهای شدید ضدانگلیسی شده بود. برای آنکه وضع خلیج‌فارس بیش از این برای منافع بریتانیا خطرناک نگردد، انگلیسیها بصره را تصرف کردند و به پیشروی خود در خاک عثمانی ادامه دادند. عملیات در بین‌النهرین در مرکز فرماندهی و تدارکاتی بوشهر هدایت می‌شد و انگلیسی‌ها به شدت به تسلط بر اوضاع بوشهر و حاکمیت بر آن محتاج بودند. چون فتوای علمای عراق در برانگیختن مردم مسلمان علیه متفقین (۱۵) در بوشهر انعکاس وسیعی می‌یافت، ازاین بابت سخت در هراس و عذاب بسر می‌بردند. از اینرو برخلاف آن که دولت ایران بی‌طرفی خود را در ۱۲ ذی‌الحجه ق/ اول نوامبر ۱۹۱۴ م. اعلام کرده بود،(۱۶) مکرراً با دخالت در امور اداری و انتظامی بوشهر آن را نقض می‌کردند. مشکل انگلیسی‌ها در مورد بوشهر فقط سکنهٔ شهرنشین و جمعیت تاجر و روشنفکر و ساخلوی ژاندارم آنجا بود بلکه روستاهای مرکزی و جنوبی شبه جزیره و به خصوص حومه آن (ریشهر و بهمنی) که خطوط تلگراف و پادگان انگلیسی در آنجا واقع بود، مشکل اساسی بشمار می‌آمد از اینرو با اقدامی علیه حاج علی تنگکی کدخدای حومهٔ بوشهر سعی نمودند، اختیار شبه جزیره را به دست آورند. (۱۷) از آنجا که کدخدای مذکور با رئیسعلی دلواری و رؤسای تنگستان ارتباط داشت، اقدام انگلیس در اینباره مورد اعتراض آنان قرار گرفت. (۱۸) این اقدامات چون با واقعهٔ تعقیب و اسموس و همراهش لیندرز(۱۹) و دستگیری دو تن از اتباع آلمان از جمله دکتر لیسترمن (۲۰) کنسول آلمان و آیزنهوت (۲۱) در بوشهر همراه شد، واکنش شدیدتری را به دنبال داشت. پس از اسارت کنسول و تاجر آلمانی، مردم بوشهر در اجتماعی پرشور به نقض حاکمیت و بی‌طرفی ایران اعتراض کردند و خواهان اقدامات جدی و فوری دولت شدند. موقرالدوله حاکم وقت بوشهر در تلگرامی به تاریخ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق/ ۱۰ فوریهٔ ۱۹۱۴م. به تهران نظرات بوشهریها را چنین گزارش کرد: «الساعه که نیم‌ساعت به ظهر مانده از مسجد نو بوشهر برگشتم، هیجان عمومی به درجه‌ای است که فوق تصور است. چنین ازدحامی در بوشهر هرگز دست نداده بود و کل علماء و عموم طبقات حضور داشته، محلص خطابهٔ علما این بود که ... انگلیسی... هتک حرمت و نقض بیطرفی دولت را کرده... دست از حقوق مشروعه بر نمی‌داریم و اگر ما را بکشند، ایلات و عشایر غیور جنوب زنده هستند و به وظیفهٔ اسلامیت و ایرانیت رفتار خواهند کرد...» (۲۲) با چنین اوضاعی انگلستان، بوشهر را بسیارخطرناک می‌دید. صرف نظر کردن از بوشهر در این زمان به معنای به خطر افتادن منافع سیاسی و اقتصادی انگلستان بود. در مورد اوضاع عمومی فارس و موانع دولت ایران نیز انگلستان ناامید بود. از اینرو ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ق./ ۸اوت ۱۹۱۵م. بوشهر را اشغال کرد.

منابع :
۱- ر. واد لا: خلیج‌فارس در عصر استعمار، ترجمه شفیع جوادی، تهران، سحاب، چاپ اول، ۲۵۳۶، ص ۹-۶۸. مقایسه شود با: ویلسن - آرنولد: خلیج‌فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، علمی و فرهنگی، بی‌چا، ۱۳۶۶، ص۲۰۹.// ۲- دلدم - اسکندر: سلطه جویان خلیج‌فارس، استعمارگران در خلیج‌فارس، تهران، نوین، بی‌چا، ۱۳۶۳، ص۱۴۸.
۳- اسناد منتشر نشده کنگره هشتادمین سالگرد رئیسعلی دلواری، فروردین ۱۳۷۳، بوشهر، مرکز بوشهرشناسی.// ۴- اوبن - اوژن: ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۹م، ترجمهٔ علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص۲۳۷. // ۵- بزرگمهر - جلیل: تقریرات مصدق در زندان، به کوشش ایرج افشار، تهران، سازمان کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۹، ص۵۷،ر. ک: مصدق - محمد: خاطرات و تألمات مصدق : علمی و فرهنگی، چاپ دوم، بی‌تا، ص۱۲۰.// ۶- خلیج فارس در عصر استعمار: ص۸۲.// ۷- سایکس - سرپرسی: سفرنامه، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص۴۴۵.// ۸- محمود - محمود: تاریخ روابط سیاس ایران و انگلیس در قرن ۱۹،ج۱، تهران، اقبال، چاپ سوم، ۱۳۶۷،ص ۴۰.// ۹- کتاب آبی: به کوشش احمد بشیری، ج ۱، تهران، نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص۵.// ۱۰- کتاب آبی: ج۷، ص۱۶۶۱، همان، ج ۳،ص۵۵۹.// ۱۱- د شتی - احمد: «مشروطه در بوشهر»، هفته‌نامه نسیم جنوب، سال اول، شماره یک، ۲۸ تیرماه ۱۳۷۷، ص۳.// ۱۲- همان. // ۱۳- همان. // ۱۴- مجله بررسیهای تاریخی: شماره ۲۵، سال هفتم، ص ۹-۲۴۸.// ۱۵- اسناد جنگ جهانی ا ول در ایران: به کوشش بهروز قطبی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص۷۸.// ۱۶- همان. // ۱۷- وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، اداره اسناد و کتابخانه وزارت امور خارجه، بخش اسناد، سند شمارهٔ ۳۷،ر. ک: سند صفحهٔ مقابل. //۱۸-همان. // ۱۹-همان: سند شماره ۱۹۱،ر. ک، سند صفحه مقابل.// ۲۰- روزنامه شوری، شماره ۲۷، سال دوم، ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق.// ۲۱- مابرلی - جیمز، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، تهران، رسا، چاپ اول۷ ۱۳۶۹، ص۸۸.// ۲۲- مورخ‌الدوله سپهر: ایران در جنگ بزرگی تهران ، ادیب، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۸-۹۷.

مصاحبه با حجة‌الاسلام محمد حسن نبوی رئیس مرکز بوشهر شناسی به بهانه تالیف کتاب «علما و نویسندگان بوشهر»



کتابهایی که توسط نویسندگان بومی تألیف و ترجمه شده باشد و مفید باشد، توسط مرکز بوشهر شناسی به چاپ خواهد رسید.

□ کتاب «علماونویسندگان بوشهر» در رابطه با چه کسانی به بررسی پرداخته و علماء و نویسندگان چه سالهائی را دربرمی‌گیرد؟

● این کتاب در ارتباط با علماء و ادبایی است که آثار تألیفی دارند و تألیفات آنها در کتاب معتبر «الذریعه الی تصانیف الشیعه» علامه آقا بزرگ تهران کتاب شناس عالیقدر جمع‌آوری گردیده. در این کتاب شخصیتهای، علمی بزرگی که تألیفاتی نداشته‌اند یا تألیفاتشان در این کتاب ذکر نگردیده، متعرض آنها نشده‌ایم، از اوائل قرن سوم هجری تا زمان تألیف کتاب دربرمی‌گیرد. لازم به توضیح است که مؤلف در جستجوی معرفی منابع علما بود. و از این جهت از نوشتار بیوگرافی علما و نویسندگان مورد نظر خودداری شده است.

□ آیا در معرفی کتاب به معرفی بیوگرافی شخصیتهای علمی نیز اقدام شده است؟

● بلی. در این کتاب نسبت به معرفی برخی از شخصیتهای علمی - مذهبی مبادرت شده است .

□ آیا در این راه از همکاری کسی نیز سود جسته‌اید؟

● در این راستا از همکاری آقای یاحسینی پژوهشگر بوشهری برخوردار بوده‌ایم.

□ دلیل اینکه این کتاب برای ترجمه انتخاب گردید چیست؟

● زیرا این مرکز تلاش در معرفی علماء و نویسندگان بوشهری داشته که دارای تألیفات بوده و قدر مسلم علمای بیشتری نیز هستند که انشاءالله این مرکز در نظر دارد در مجله دومی به معرفی آن بپردازد.

□ چه مدتی را صرف گردآوری و ترجمه این اثر نمودید؟

● کتاب الذریعه ۲۸ جلد است که چندین بار مورد مطالعه قرار گرفته و با دقت و امعان نظر تلاش شده که مؤلفان بوشهری و آثار آنها گزینه و به خوانندگان معرفی شود. جستجو و پژوهش مدتها ادامه داشت و جمع‌آوری یادداشتها و آماده نمودن برای چاپ، قریب یکسال به طول انجامید.

□ آیامرکزبوشهر شناسی درحال‌حاضرکتابی‌نیز زیر چاپ دارد؟

● بلی. کتابهای «دلیل الخلیج» ج.ج لوریمر که از عربی به فارسی توسط بنده ترجمه شده و انشاءالله در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید. همچنین کتاب «زیبائیهای علم بدیع» که آن کتاب نیز تألیف خودم می‌باشد.

□ برنامه‌های آینده‌مرکز بوشهرشناسی در زمینه انتشار کتاب چیست؟

● کتابهایی که توسط نویسندگان بومی تألیف و ترجمه شده باشد و مفید باشد، این مرکز به چاپ خواهد رسانید. ضمناًاین مرکز تلاش دارد هر چه بیشتر بر غنای کتابخانه بیفزاید تا علاقمندان به کتاب و کتابخوانی بتوانند از منابع مورد نیاز خود استفاده کنند.

شهر بوشهر

باکوهی از مشکلات

● محمد مصدق‌زاده

صبح که از خواب برمی‌خیزم بوی لجن جو مشامم را نوازش می‌دهد، صورتم دچار چین‌خوردگی می‌شود، چشمهایم فرو می‌روند، تازه می‌فهمم که صورتم عبوس شده است.

دیری نمی‌گذرد که ماشین زبالهٔ سرباز شهرداری لاک‌پشت‌وار از ره می‌رسد و هزاران بوی نامطبوع را در فضا می‌پراکند، جوی کوچه سر از گریبان بدر می‌آورد و از تنهایی رها می‌شود. در این لحظه رطوبت و شرجی پرحجم نیز با آنها دمخور می‌شود و رطوبت فشرده با بوی جوی آب و آشغالها چنان درهم می‌امیزند که احساس خفگی می‌کنم و با سرعت وارد اتاق می‌شوم و در را از پشت قفل می‌کنم و به در تکیه می‌دهم و چند نفس عمیق می‌کشم و دوباره علائم حیات را در وجودم مشاهده می‌کنم. اگر تمام عطرهای پاریس را در محلهٔ جبری خالی کنند باز هم حریف نمی‌شود.

ارگ در طرح سازماندهی اقتصادی فکری به حال جبری شود خوب است؟! بهتر است اول جبری را با کمک چند لودر چاق با خاک یکسان و همطراز کنند و از نو بسازند! نه اینطور نمی‌شود، بهتر آن است که بوشهر را صاف زمین کنند و از نو بسازندش. خدا را چه دیدی شاید شد زیرا این وضعیت هر جایش که درست شود مانند لباسی می‌ماند که از چند جا پر و خورده و زشتر می‌نماید. ساعت نه صبح که می‌شود لباس می‌پوشم و به قصد هواخوری! از منزل بیرون می‌آیم، سرکوچه سه نفر از معتادان نشسته‌اند، یکی از آنها به تیر چوبی تکیه داده بود شنیدم که به دوستانش می‌گفت: «بچا مسابقه» آن یکی گفت چه مسابقه‌ای، رفیقش گفت:«هر کس دو دو کور پا بنشینه تا عصر او برنده می‌شه» همینطور که می‌رفتم می‌خندیدم و بر این جوانان ساعی و کوشا! افسوس می‌خورم. ساعت دو بعد از ظهر که برمی‌گشتم طرف منزل، تو آن هوای مردادماه، چندنفری از آنها سایه‌ای پیدا کرده و با هم صحبت می‌کردند، تمام طول و عرض کوچه‌ها را نگاه کردم غیر از آنها کسی را پیدا نکردم. حتی مورچه‌ها هم توی سوراخهاشان بودند. اگر از محلهٔ جبری چند تصویر گرفته شود با آن عکسها می‌توان نمایشگاهی ترتیب داد. جوی متعفن و سر تا پا آلوده، ماشین آشغالی سرباز که دو نفر با لباسهای مخصوص روی زباله‌ها نشسته‌اند، جمع معتادها و بیکارها در سرکوچه‌ها، بچه‌ها دبستانی با پاهای برهنه و لباسهای عرق کرده و شوره زده که مشغول بازی فوتبال هستند، زنان دل مرده‌ای که در صف نانوائی اشعهٔ افتاب توانشان را برده، کوچه‌های تنگ و کم عرض که آبهای اضافی خانه‌ها در آنها به جریان افتاده، دکانداران خسته‌ای که از فرط گرما حال و حوصله صحبت کردن با مشتریان را ندارند، و در نهایت آدمهایی که به ناچار و با تحمیل در محلهٔ جبری زندگی می‌کنند و مترصدند تا دستی غیبی آنها را نجات داده و توفیق هجرت پیدا کنند و بقیه عمر را در فضایی بهداشتی و اجتماعی و فرهنگی به اتمام برسانند. با این اوصاف ساحل‌سازی و پروژهٔ تفریحی تجارتی در صورتی که وضعیت مردم به این شکل است آیا درست می‌نماید. سری به دیگر محله‌ها بزنید، جفره، صلح‌آباد، کوتی، شنبدی، بهبهانی، عاشوری، سنگی، باغ زهرا، همه کم و بیش دارای مشکلند و می‌نالند و داد می‌زنند ولی فقط در جلسه‌های خصوصی و خودمانی. درحالیکه که جهان صنعتی آمادهٔ ورود به قرن بیستم و یکم می‌شود ما با مشکلات عدیدهٔ قرون وسطائی دست و پنجه نرم می‌کنیم.

پیران که حیات را بدرود گفتند و رفتند، جوانها هم که به پیری رسیدند و چیزی ندیدند، خدایا خودت به فریاد کلاس اولیها برس تا آنها نیز مثل ما به پیری نرسند. آمین یارب العالمین

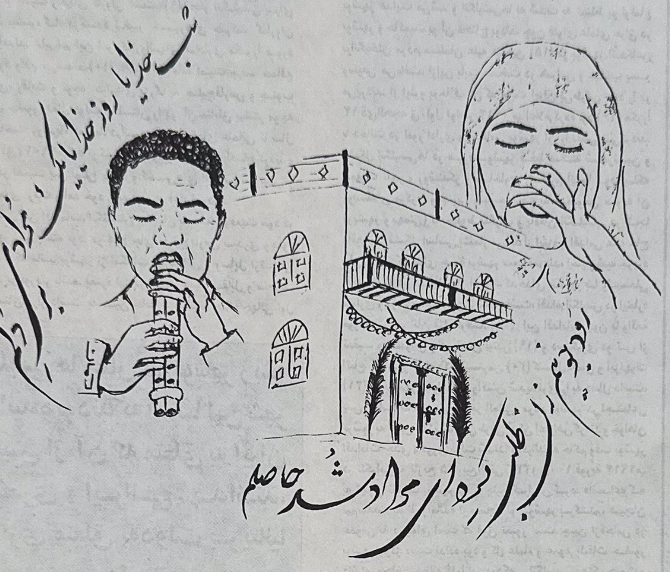
بیت خوانی در مجالس شادی

مقاله از گروه موسیقی محلی مروارید لیان به تحقیق محسن شریفیان

بیت‌خوانی یکی از آوازهای رایج در موسیقی محلی بوشهر است این آواز زیبا و دلنشین که لهجه و لحن موسیقیایی این دیار به خوبی در آن مشهود است با نوایی تقریباً یکسان در اکثر نقاط استان بوشهر شنیده می‌شود.
بیت‌خوانی بوشهر به دو شیوهٔ نزدیک به هم با دو نام متضاد در مجالس شادی، چون ختنه‌سوران، حنابندان، بدرقه و استقبال زائران خانه خدا و عتبات عالیات با اشعاری متناسب و نیز متضاد این رسوم در سوگواری جوان ازدست رفته‌ای به عنوان سوگ سرود و در مراسم عزاداری ماه محرم با اشعار ویژه خود اجرا می‌شود.
در این شماره به توضیح و بررسی بیت‌خوانی در مجالس شاد می‌پردازیم تا به امید خدا در شماره‌های آینده قسمت دوم این مقوله (بیت‌خوانی در عزاداری) نیز به چاپ برسد.

این نوع بیت‌خوانی که به عنوان راسونه (راسی) آن را می‌خوانند معمولاً خاص روزهای برپایی مراسم عروسی می‌باشد و به همین دلیل آن را بیت عروسی نیز می‌نامند که اجرای ویژهٔ آن را در شب حنابندان باید دانست.
آواز بیت‌خوانی با حالتی شبیه گوشهٔ بیداد همایون آغاز می‌شود اما بافت ملودیک و اجرای آن بیشتر به آواز شوشتری شباهت دارد یعنی معمولاً جملهٔ آوازی در این قطعه با تأکید بر درجه چهارم گام همایون و سیر و تنوع ملودی با فرود به درجهٔ اول گام (همایون) به آواز شوشتری نزدیک می‌شود.
بیت‌خوانی که در اطراف بندر بوشهر به عنوان سرور معرفی شده است با کیفیت بیشتر و جدی‌تری اجرا می‌شود که این موضوع به دلیل دست نخوردن آداب و رسوم این مناطق نسبت به شهر بوشهر است. با این وجود اکنون روز به روز بیت‌خوانی در بوشهر به حیطه فراموشی نزدیک می‌شود و در حال حاضر نیز خواننده‌های نسبتاً محدود آن اکثراً مردان و زنان سالخوردهٔ این دیار هستند.
این شیوه از بیت‌خوانی، امکان دارد بهمراهی ساز نی جفتی یا نی‌انبان خوانده شود که سازهای ضربی هیچگونه نقشی در اجرای آن ندارد. لازم به توضیح است بیش از این همراهی ساز با بیت‌خوانی معمول نبوده است، کماینکه اکنون نیز اجرای بدون ساز بیت‌خوانی بیشتر مشاهده می‌گردد، و تنها در بعضی وقتها هنگام وجود نوازنده‌ای توانا و خوش ذوق در مجلس و خواننده‌ای آشنا با این شیوه، این نوع بیت‌خوانی اجرا می‌شود. در این اجرا ابتدا نوازنده ملودی خاص بیت را می‌نوازد و در فرود این قطعه خواننده همگام با ساز همراه بیت‌خوانی را آغاز می‌کند، که هر بار بعد از پایان اجرا قطعه، حاضرین در مجلس خصوصاً زنها با کِل و شادی اشعار و کار اجراکنندگان را دنبال می‌کنند. به گونه‌ای که کل زدن زنها در آخر هر بیت خوانی که به «کِل شادی» معروف است، جزئی از این مراسم قلمداد می‌شود. در این هنگام نوازنده نیز به اجرای قطعه‌ای که به کل زدن زنها شبیه است آنها را در این سرور همراهی می‌کند و بلافاصله به تکرار اجرای قطعه اول خود می‌پردازد که این کار به همین ترتیب با خواندن بیتهای گوناگون تکرار می‌شود تا بیت‌خوانی به پایان برسد.
معمولاً بعد از پایان این نوع اجراها نوازندهٔ نی‌انبان یا نی‌جفتی به همراهی سازهای ضربی آهنگ «حنابندان» را می‌نوازد و خواننده نیز که امکان دارد خوانندهٔ بیت نباشد همراه با بقیه شرکت‌کنندگان می‌خواند:
خواننده: دوماد (عروس) حنا می‌بنده. / شرکت‌کننده‌ها در جواب: دوماد حنا می‌بنده / خ: به دست و پا می‌بنده/ ش: دوماد حنا می‌بنده. / خ: عروس حنا می‌بنده. / ش: عروس حنا می‌بنده. / خ: طوق طلا می‌بنده. / ش: عروس حنا می‌بنده. / خ: اگه طلا نباشه دل بخدا می‌بنده. / ش: عروس حنا...
در اجرای بیت، خوانندگا ن ممکن است مرد یا زن باشند و یا اینکه امکان دارد هر دو کمک هم بیت‌خوانی را اجرا کنند، اما معمولاً بیت‌خوانی خاص زنان می‌باشد و که این ادعا را می‌توان با بررسی اشعار سروده شده متوجه شد، چرا که اکثراً آنها از زبان زنها (مادر - خواهر) بیان شده است مانند: این بیت که از زبان مادر داماد می‌باشد (رود جونیم، توی کشتی سر به دریا می‌کشید/ دس مریزا بوی جونیش تا رسید شیون (سفره) کشید) و یا این بیت که خواهر داماد برای برادرش می‌خواند: (ای برادر، ای برادر - ریشهٔ خونی پدر / هر چی می‌خواهی بفرما - حرف تو بالای سر)
بیت‌خوانی تنها قطعهٔ و یژه‌ای است که زنها در موسیقی محلی بوشهر با حضور ساز نی جفتی یا نی‌انبان، به اجرای آن می‌پردازند و همین‌گونه تنها آوازی است که در این نوع مراسم زن و مرد می‌توانند در جواب یکدیگر آنرا بخوانند و می‌توان گفت یکی از محدود آوازهایی است که در موسیقی بوشهر با ساز نی جفتی یا نی‌انبان خوانده می‌شود.
در این اجرا اگر دو خواننده وجود داشته باشند، غالباً خواننده اول، بیتی مثل (شب خدایاروز خدایا، یک مرادی بر دلم/ رود جونیم زن طلب کرد این مراد شد حاصلم) می‌خواند و خواننده دوم در جواب او بیت دیگری را مثل: (رود جونیم جونمی تو، جون به میل جونمی/ چشم راست و زور و بازو، مغز استخوانمی) اجرا می‌کند و در این حالت است که بیت‌خوانی در اصل کلمه که به مفهوم خواندن دو مصراع هم وزن از یک شعر می باشد معنی می‌گیرد، اما در بوشهر معمولاً به بیت «بند» می‌گویند و اغلب منظور عامه مردم از بیت‌خوانی در این مورد همان اجرای آواز بیت است. گاهی نیز امکان دارد خوانندهٔ بیت، مصراعی از یک بیت را مثلاً (دی دوماد، دی دوماد، پشت کفشش مخملن) بخواند و خواننده دوم در جواب، مصراع دیگر همان بیت را بخواند (اُمد شربت بسازه، تا کمربندش زرن) که این به آشنایی کامل بیت‌خوانان از بیتهای موجود برمی‌گردد. ابیات بیت‌خوانی که معمولاً حاوی مراحل مختلف مراسم عروسی می‌باشد در قالب بحر رمل سروده می‌شود و هر کدام حال و هوای ویژه‌ای از برگزاری مراسم را برای شنونده مشخص می‌کنند که هریک از این ابیات در گذشته برای لحظه و مکان خاصی از برگزاری مراسم سروده و اجرا شده است، مثلاً در گذشته نه چندان دور هنگام رفتن به خانه عروس و یا به حمام بردن داماد از یکسری بیتها با مضامین مرتبط به آن لحظه استفاده می‌شده است و ابیات مراحل مختلف جشن با هم متفاوت بوده‌اند، ولی امروزه این مسئله در مراسم عروسی رعایت نمی‌شود، برای مثال در بندر بوشهر بیتهای ویژه پاک کردن برنج و طبخ غذا یا بستن حجله و حمام داماد و یا غیره را غالباً در شب حنابندان میخوانند که مناسبت موضوعی لازم را با این شب ندارد.
در اینجا به نمونه‌ایی از ابیات که سیری از مراسم ازدواج را در بر خواهد داشت اشاره می‌کنیم:
رودجونیم، رود جونیم - آه سرد از دل نکش/ یک غریبی سبت می‌سونم - منت قومت نکش
بشکنم چوب چنار - پل ببندم باغ نار/ ما که رفتیم زن بیاریم. موسم فصل بهار.
ای حریر نرم و نازک - روسر حور و پری / مردم از دولت میناز. ما به عباس (ع) و علی(ع)
خانم عروس، خانم عروس - روگشون آورده‌ام/ روگشون و پاگشون و بند زلف آورده‌ام
ما که رفتیم باغ باغون - بشکنیم صد گُرز تر/ گُرز سبز، حجله ببندیم - تا بریزه خوش زر
ای برنج دون رشتی - توی انبار گچی / خوم درازم، خوم بپیزم. سی عزیز حاجتی
کی به حجله، کی به حجله - شاهزده دوماد با زنش / کی بگرده دور حجله - ~~خواهر~~ کوچیکترش
از خدا یک و ایه دارم - باد رو دریا میاد/ رود جونیم رفته حجله. شاد و خرم در بیاد
باد اومد، بارون گرفت - آب اومد دالون گرفت / مردمون گونین مبارک ما انجام گرفت
در میان اشعار بیت خوانی بعضی از ترانه‌های واسونک شیراز نیز دیده می‌شود مانند: «رود جونیم، رفته حموم - با پسرهای پادشاه/ گِلش از گلکو بیارین - آبش از امام رضا(ع)» و یا «ای حموم‌چی، ای حموم‌چی - آب حموم تازه کن/ تا بیایه رود جونیم خلعتش آماده کن» این تداخل و تقارب که در ترانه‌های واسونک شیراز (مرکز استان فارس) و بوشهر وجود دارد، به دلیل همسایه بودن دو استان و گاه هم وزن و هم موضوع بودن اشعار می‌باشد
فواصل و گام اجرای واسونک دقیقاً شبیه بیت‌خوانی بوده و در شو. شتری اجرا می‌شود. نکته مشترک دیگری که در بیت‌خوانی و واسونک قابل تأمل است و از نظر درجات گام جزء ویژگیهای بارز آن دو می‌باشد این است که درجهٔ هفتم این گام مانند آواز اصفهان قدیم قدری کمتر از حد معمول امروز یعنی تقریباً ربع پرده کمتر اجرا می‌شود (درجهٔ هفتم اصفهان قدیم سُل سری می‌باشد که امروزه در اصفهان بصورت سُل دیز اجرا می‌شود) که این نکته نشان می‌دهد در موسیقی مناطق تغییر فواصل کمتر بوده و اصالت و ویژگی خود را بیشتر حفظ نموده است، ولی بطور کلی شیوه اجرا و ملودی‌های واسونک شیراز با بیت‌خوانی در بوشهر جدا از شباهتهایی که در اصل موضوع و اشعار وجود دارد قابل تشخیص هستند. واسونک شیراز که حالتی ضربی و ریتمیک دارد همراه با دست زدن، همسرائی و همنوائی یکی از سازهای ضربی رایج در مجلس که معمولاً دایره (دَف) می‌باشد توسط زنها صورت می‌گیرد حال آنکه بیت‌خوانی موصوف در بوشهر حال و هوای جدا و خاص خود را دارد.
اشعار بیت‌خوانی چه آنهایی که مهاجر هستند و به این منطقه کوچ کرده‌اند و چه آنهایی که فولکلور منطقه هستند و نشانه‌های جغرافیایی و مشخصات اقلیمی به خوبی در آنها هویدا است همگی سینه به سینه نقل گردیده‌اند و آنچه که اکنون به دست ما رسیده است و بر سر زبانها جاری است کتاب یا شاعر خاصی ندارد.و این ابیات اغلب حاکی از عشق و علاقه مادر به فرزند، همینگونه خواهر به برادر و آرزوها و گفته‌های آنان درخصوص برپائی هر چه باشکوهتر جشن عروسی و مراسم مربوط به آن می‌باشد، که بسیار زیبا بوده و از جنبه‌های مختلفی نیز قابل تأمل و بررسی هستند.

«با تشکر از همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، آگاهان محلی، اساتید و دوستان بزرگوار خصوصاً دوست عزیزم آقای شهرام راویان»



محمود جهان، خواننده معروف موسیقی محلی جنوب:

هرگز از سوی وزارت ارشاد ممنوع الخواندن نبوده و نیستم

محمود جهان یکی از پرآوازه‌ترین خواننده‌های جنوبی ایران است. وی ۴۷ سال سن دارد و در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، منطقه بوشهر مشغول به کار است او در کارنامهٔ هنری خود تاکنون ۶ نوار کاست با عناوین بندرنشینان، غروب بندر، پسین بندر، کاروان بندر، صبح ساحل و یاد کارون را به ثبت رسانده است که ایشان را در ردیف یکی از پرکارترین خواننده‌های محلی قرار می‌دهد.
چندی پیش نیز شاهد اجراهای وی در چند برنامه از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر بودیم، و به همین دلیل با این هنرمند گفتگوئی انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید:

□ لطفاً برای خوانندگان نسیم‌جنوب بفرمائید که از چه سالی، از کجا، چگونه و به تشویق چه کسانی به هنر خواندن روی آوردید؟
● بنده به صورت جدی از سال ۱۳۵۵ شروع به خواندن کردم. بخاطر دارم قبل از این چون من از خانوادهٔ ضعیفی بودم، برای کمک به امرار معاش خانواده به کارگری مشغول شدم، آن موقع سختی کار و مشکلات زندگی باعث می‌شد که هر از گاهی آوازی را با خود زمزمه کنم و به خواندن کشیده شوم که در این خصوص مورد تشویق استاد کارم که مردی دلسوز و مهربان بود قرار گرفتم و از آن زمان خواندن را بطور جدی آغاز کردم. پدرم نیز که اهل تنگستان بود گاهگاهی شروه میخواند و با این کار و دلگرمیهایش مشوق اصلی من شد، تا بتوانم برای مردم تنگستان، دشتستان، بندرنشینان و تمام کسانی که دوستشان دارم بخوانم.
□ در این زمینه تا کنون چه موفقیتهایی را کسب نموده‌اید؟
● بنده در سال ۶۶ از طرف ارشاد اسلامی استان بوشهر در اولین جشنوارهٔ سراسری موسیقی فجر به همراه گروه خود شرکت کردم که این حضور در دومین و سومین جشنواره موسیقی فجر نیز ادامه داشت، به غیر از این نیز در سال ۶۷ در مراسم یادوارهٔ برائت از مشرکین شرکت کردم که موفق به کسب مقام اول در این جشنواره گردیدم و افتخار دریافت دیپلم افتخار همراه با یک پلاک طلا را از دست اساتیدی چون زنده یاد استاد مرتضی حنانه و استاد کامبیز روشن روان داشتم. از سال ۶۸ به بعد نیز به دعوت وزارت ارشاد اسلامی بطور مستمر در کلیه جشنوارهای سراسری و معتبر کشور به عنوان گروه آزاد شرکت داشته‌ام. از سال ۷۴ تاکنون در جشنواره‌های فجر و ذکر زاکری نیز شرکت نمودم. به غیر از این دریافت تقدیرنامه به مناسبت اجرای موسیقی گرامیداشت ورود مقام معظم رهبری به استان بوشهر، دریافت ارم طلای جمهوری اسلامی ایران از دست حاج آقای بروجردی - داماد حضرت امام (ره) - دریافت تقدیرنامه از وزیر صنایع جناب آقای نعمت‌زاده و اجرای کنسرت در کشور یمن و امارات متحدهٔ عربی و تعداد بسیاری عناوین و افتخارات دیگر که در این کلام نمی‌گنجد.
□ شنیده بودیم که شما مدتی ممنوع الخواندن بوده‌اید تا اینکه مدتی پیش شاهد اجرای موسیقی شما در بوشهر بودیم، لطفاً اگر ممکن است در این مورد توضیح دهید، و بفرمائید ارتباط شما در حال حاضر با اداره کل فرهنگ‌وارشاد اسلامی استان بوشهر چگونه است؟
● بله، این موضوع را نیز خودم شنیده‌ام اما گاهی سوءتفاهماتی برای کسی یا افرادی ممکن است در طول زندگی پیش بیاید که این هم با اندکی سعهٔ صدر و اعتماد متقابل برطرف می‌شود. اگر به گذشتهٔ هنری بنده توجه بفرمائید می‌بینید که فعالیتهای هنریم همیشه طبق مقررات و ضوابط که اصل در تعالی و رشد هنر است بوده و در تمام این سالها همیشه رابطه‌ام با ارشاد اسلامی با حسن نیت و احترام متقابل همراه بوده که شرکت و حضور مستمر صمیمانه‌ام در جشنواره‌های سراسری فجر، ذکر و ذاکری و ... گویای این واقعیت است، لذا بنده هرگز از سوی وزارت ممنوع‌الخواندن نبوده و نیستم، ارشاد اسلامی همواره حامی و تکیه‌گاه هنرمندان بوده و هست و من صمیمانه از مسئولین آن سپاسگذارم که با موضع‌گیریهای خردمندانه خود سعی در حفظ ارزشهای هنرمندان دارند، و من در همینجا از کلیه کسانی که باعث اینگونه ذهنیات و شایعات در بین مردم می‌شوند خواهش می‌کنم که با توجه به موقعیت متأهلی من جداً از اینگونه شایعات خودداری کنند وباعث نگرانی من و خانواده‌ام نشوند.
□ سؤالی که پیرامون کاست اخیر شما یعنی «یادکارون» مطرح است این است که شما دقیقاً اشعار و آهنگهایی از خوانندگان زمان شاه



مثل تاجیک و یا به قولی خواننده‌های آن طرف آب مثل (امیر) شاملو و .. را مجدداً به ضبط رسانده‌اید با توجه به مطرح بودن شما و انتظارات مردم، در خصوص کارهای جدید و غیرمونتاژی، بفرمائید چه انگیزه‌ای برای شما در این کار وجود داشته است؟
● بنده تاکنون هر کاستی را که اجرا کرده‌ام طبق مقررات و ضوابط وزارت ارشاد اسلامی بوده یعنی اینکه شورای نظارت موسیقی وزارت بعد از بررسی کار من مجوز را صادر می‌کنند و نوار منتشر می‌شود. کاست یاد کارون نیز همینگونه بوده است و باید عرض کنم منتها انگیزهٔ بنده مثل انگیزه هر هنرمند دیگری است!
□ بسیار خوب و اما در آخر یک انتقاد و پیشنهاد را در مورد کار گروهی شما با توجه به اینکه سرپرستی گروه نیز به عهده شما است مطرح می‌کنیم، شما در کاستهایتان و گاهاً اجرای صحنه‌ای ساز تیمپو را به عنوان کسر معرفی می‌کنید، با توجه به سرشناس بودن گروه شما عده‌ای دیگر نیز این ساز را اینگونه معرفی می‌کنند، در این خصوص چه توضیحی دارید؟
● توضیح من این است که چون در بعضی از ریتمها جای خالی را احساس می‌کنیم، یعنی یک چیز کسر است، و ما این کسری را بوسیله ساز تیمپو پر می‌کنیم، بنابراین ما این را کِسر می‌نامیم چون ریتم آن با ریتم پایه ما فرق دارد و به همین دلیل می‌گوئیم کِسر و منظور ما از ساز کسر نام این ساز نیست بلکه این ساز همان تیمپو است و من در اجراهای صحنه‌ایم از این ریتم استفاده نمی‌کنم و این ساز را به عنوان کسر نیز معرفی نکرده‌ام.
□ ببینید برای مثال شما در همین کاست اخیرتان هر چند که زیر نظر شورای موسیقی وزارتخانه بوده است، کسر را در ردیف نام سازهایتان بجای ساز تیمپو و بدون هیچ توضیحی معرفی میکنید. در حالیکه ساز کسر یک رنگ مشخصی دارد و همانطور که می‌دانید کسر سازی است رایج در منطقه هرمزگان که معمولاً به همراهی سازهای‌سازهای دیگر مثل دهل (راسته) و پیپه یک ریتم مشخص را بوجود می‌آورند با این توضیح آیا بهتر نیست بخاطر اشتباه نکردن بعضی از هنرمندان که این موارد را بری کارشان فاکتور می‌کنند آلت استفاده شده را همان ساز تیمپو یا همراه با توضیحی معرفی کنید؟
● منظور بنده همان کَسر بوده است و همانطور که توضیح داده‌ام این ساز تیمپو است و اگر گروهی و یا شخصی این سازبه عنوان ساز کِسر معرفی می‌کنند از نظر من اشتباه است و خودشان باید جواب بدهند.
□ بسیار متشکریم که به سؤالات ما پاسخ دادید و امیدواریم همواره در اعتلای هنر کوشا باشید.
● من هم از شما و هفته نامه نسیم جنوب از این گفتگوها بخاطر معرفی هنرمندان موسیقی محلی و از همه مهمتر برای روشن شدن بعضی از مطالب پیرامون این هنر تشکر می‌کنم.

نیما نه تنها یک شاعر بود

● ابوالقاسم نعیمی - دانشجو

بطور یقین بهترین راه شناخت هر انسانی از روی آثار و اعمال و تفکرات وی صورت می‌گیرد. نیما را نیز باید از اشعار و نامه‌هایش شناخت. همانطور که خود در نامه‌ای می‌گوید: «آنچه روزی بار آور خواهد بود، فقط عمل ماست»(۱)

نامه‌های نیما که به دوستان و خانوادهٔ وی بود همه مضمونی پرمحتوی و شاعرانه دارد و انسان را غرق زیبایی کلمات و شگفتی عبارات می‌کند. اشعار وی نیز که جای خود دارد همه مضمونی اجتماعی. اما متاسفانه با آنکه بیش از نیم قرن از ابداع شگفتی‌آور نیما گذشته است هنوز هم که هنوز آنطور که باید و شاید نیما را نشناختیم و از شخصیت اصلی نیما سخنی به میان نیامده است.

همه نیما را فقط به عنوان «پدر شعر نو» می‌شناسند و درصورتی که نه فقط پدر شعر نو بل، «پدر فکر نو» نیز بود. هدف از ابداع شعر نو نه فقط تغییر روش در «شعر گفتن» بود بلکه تغییر روش در «فکر کردن» و همچنین در «دیدن». نیما «خوب دیدن» را همیشه توصیه می‌کرد. زنده‌یاد فروغ فرخزاد می‌گوید: (البته عین جملات خانم فروغ نیست، فقط مضمون آن را به خاطر دارم): «من قبل از آشنائی با نیما با شاعران دیگر آشنا بودم و از آنها بهره می‌جستم، ولی وقتی که با نیما آشنا شدم، نیما به من «خوب دیدن» را آموخت، به من گفت که چطور به اشیاء بنگرم».(۲) پس درمی‌یابیم که نیما حتی مبدع در «دیدن» نیز بود. یعنی «پدر دید نو».

نیما در طول زندگی هنری خود سختی‌ها و مشقات زیادی را متحمل شد، تا بتواند بار سنگینی را که به دوش دارد، سالم به مقصد برساند. هر چند نابخردان و تنگ‌چشمان دوران وی کار نیما را سنت شکنی و بی‌احترامی به ادبیات می‌دانستند و بخاطر همین در نشریات معروف آن دوره - از جمله نشریه سخن - همیشه علیه نیما مقالاتی چاپ می‌شد، ولی با همه این احوال نیما از رسالت خود دست نکشید و با جدیت و پشتکار کار خود را ادامه داد. و معتقد بود روزی این زحماتش مثمرثمر واقع خواهد شد. حتی خودش در نامه‌ای می‌نویسد: «هرکس حقیقتی است، اگر چه او خود را نشناخته باشد، از پشت پرده چشمهایی برای شناختن او هست. همچنین هر کس می‌کوشد تا خود را با یافته‌های خود به دیگران نشان دهد.»(۳)

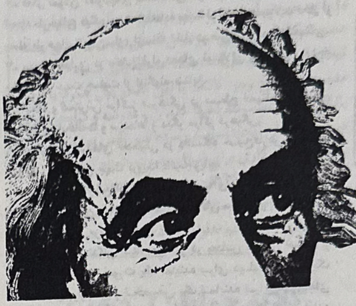
یادآور شدیم که نیما در طول زندگی خود سختی‌ها و مشقات فراوانی متحمل شد و همیشه در رنج و عذاب بود. یکی از رنج و عذابهایی که نیما همیشه از آن می‌نالید، خواب غفلت‌زدگی مردم بود. از اینکه مردم نمی‌خواهند حقیقت را بفهمند و غرق در توهمات و خیالات واهی هستند، ناراحت بود و همیشه خون دل می‌خورد که چرا مردم به این شیوه خوگرفته‌اند. خود نیز در نامه‌ای می‌نویسد: «من سم مهلکم برای خودم، ولی مفید برای دیگران»(۴)

نیما این غفلت‌زدگی را در شعر «مهتاب»(۵) به زیبائی هر چه تمامتر نشان می‌دهد:

«می تراود مهتاب / می‌درخشد شبتاب / نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک / غم این خفتهٔ چند / خواب در چشم ترم می‌شکند.»

در پایان همین شعر نیما از مردی تنها سخن می‌گوید که با پای آبله از راه درازی آمده و کوله باری نیز بر دوش دارد و این خواب مردم، وی را می‌آزارد. شاید این مرد تنها خود نیما باشد که می‌گوید:

«می تراود مهتاب / می‌درخشد شبتاب / مانده پای آبله از راه دراز/ بر در دهکده مردی تنها / کوله‌بارش بر دوش / دست او بر در، می‌گوید با خود:/ غم این خفتهٔ چند/ خواب در چشم ترم می‌شکند.»



نیما در طول زندگی‌اش همچون شمعی بود که می‌سوخت و ذره ذره آب می‌شد ولی نور این شمع باعث گشایش تمام راههای بسته و تاریک است و تمام لغزشهای جادهٔ تاریک را نمایان می‌کند. خود در قسمتی از شعر «وای بر من» (۶) می‌گوید:

«عابرین! ای عابرین!/ بگذرید از راه من بی‌هیچ‌گونه فکر / دشمن من می‌رسد، می‌کوبدم بر در / خواهرم پرسید نام و هر نشان دیگر وای بر من.»

در پایان همین شعر، شاعر ناامیدانه لب به سخن می‌گشاید و می‌گوید:

«به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خود را / تا کشم از سینهٔ پردرد خود بیرون / تیرهای زهر را دلخون؟ / وای بر من!»

اگر آثار نیما را به دقت بخوانیم درمی‌یابیم که وی از دید فلسفی و روانشناختی خوبی نیز برخوردار بود. هم در آشکار و هم در نامه‌های وی می توان این مسئله را به خوبی مشاهده نمود و در زیر چند عبارت که از نامه‌های نیما است، آورده شده تا این مسئله را بهتر درک کنیم.

«پس از انجام هر اصلاح قریب به امکان، به عقیده من فلسفه آخرین دوای امراض و تألمات روح انسانی است.»(۷)

«در هر مرحله از عمر خود، به مرضی دچار هستیم. افکار و عقاید و سلیقه‌ها عبارت از درمان‌هایی هستند که به آن مرض مخصوص داده می‌شوند. اساس دیگر ندارد. یک فکر یا یک عقیده یا یک سلیقه گاهی درمان است گاهی مرض. فقط باید سعی کنیم که در هر مرحله، لوازم و منافع آن مرحله را ازدست ندهیم.»(۸)

«فکر، هزاران مشکل عجیب پیش چشم ما می‌گذارد که عمل از رفع آن مشکلات عاجز است، ولی در صورت اجرای عمل، ممکن است آن مشکلات پیش آمد نکند.»(۹)

با توجه به آثار و تفکرات نیما، می‌توانیم نیما را بعنوان بزرگ‌ترین معلم یاد کنیم. معلمی که رهنمودهایش می‌تواند برای همیشه تمامی جوامع چراغ راهی باشد برای زندگی بهتر. خود نیز در شعر «بخوان ای همسفر با من»(۱۰) می‌گوید:

«... هنوز آن شمع می‌تابد هنوزش اشک می‌ریزد.
درخت سیب شیرینی در آنجا هست ، من دارم نشانه،
به جای پای من بگذار پای خود ملنگان پا
مپیچان راه را دامن
بخوان ای همسفر با من!»

در آخر نیز بعنوان حسن ختام شعر «در فروبند...»(۱۱) از نیما آورده می‌شود :

«در فروبند که با من دیگر،
رغبتی نیست به دیدار کسی،
فکر کاین خانه چه وقت آبادان
بود بازیچهٔ دست هوسی.
هوسی آمد و خشتی بنهاد
طعنه‌ای لیک به بی‌سامانی .
دیدمش راه از او جستم و گفت،
بعد از اینت شب و این ویرانی
گفتم: آن وعده که با لعل لبت؟
گفت: تصویر سرابی بود آن.
گفتم: آن پیکر دیوار بلند
گفت: اشارت زخرابی بود آن.
گفتم: آن نقطه که انگیخته دود؟
گفت: آتش زدهٔ سوخته‌ای است،
استخوان بندی بام و در او
مرگ را لذت اندوخته‌ای است.
گفتمش: خنده نبندد پس از این
آفتابی نه چراغی با من
گفت: آن به که بپوشی از شرم
پس از این چهره بدست
دامن دست غمناکان - گفتم - اما
از پس در بزمین می‌ساید
خنده آورد لبش گفت: ولیک
هوس ایستاده بره می‌پاید.»

پانوشت :
۱ - نامه‌های نیما // ۲ - زندگی‌نامه فروغ فرخزاد- دیوان اشعار // ۳ - نامه‌های نیما // ۴ - همان // ۵ -اشعارنیما // ۶- همان // ۷ - نامه‌های نیما // ۸ - همان // ۹ - همان // ۱۰ - همان // ۱۱ -اشعار نیما

پاسخ به خوانندگان صفحات شعر و ادب

● منوچهر آتشی

● آقای شاهرخ سروری - دوشعر از شما به ما رسیده یکی «عصر آشنائی» که ظاهراً صورت غزل دارد، و مضمون آن هم زیباست ولی از لحاظ قافیه - و در چند بیت وزن - دچار اشکال است.

۱- اولاً «خوبی» و «پاکی» و همینطور تا آخر «نشاطی»، «گلستانی»، «بهاری»، «پرشکوهی» تا آخر هیچکدام با هم قافیه نمی‌شوند. ضمناً کلمه «تو» که در آخر تکرار شده «ردیف» محسوب می‌شود و جزء قافیه نیست. ثانیاً صبور و با ریشه پر از شکوهی تو و مصراع بعدیش و مصراع ماقبل آخر از نظر وزن با مصراعهای دیگر نمی‌خوانندو یک غزل یا قصیده اولاً حتماً باید در یک وزن باشد. ثانیاً قافیه‌ها با هم بخواند.

۲- در شعر دومی که با «کجائی هموطن برخیز...» شروع می‌شود، با آن که مضمون و موضوع بانشاطی دارد اولاً شعر شما از اول با زبان کلی فارسی و ساده شروع می‌شود و بعد به گویش محلی می‌پردازد.

این ابتکار، اگر توأم با مهارت باشد اشکال ندارد. ولی شما بدون دقت آنها را مخلوط کرده‌اید.

ثانیاً کل شعر، خیلی ساده است و نمونه‌های فراوانی دارد. شما که ذوقش را دارید، شعری با ابتکار و تازه از طبیعت خود بنویسید و بفرستید. چه به گویش محلی و چه به زبان ساده فارسی - ضمناً لغزشهای وزنی هم دارید که با تمرین رفع خواهد شد.

● آقای فراز شجاع - برازجان - اولاً از میان شعرهائی که فرستاده بودید بیشترین آنها از زبان و قوائد شعری امروز خارج بودند، دو قطعه ساده‌تر برای چاپ انتخاب شد. بقیه شعرها، نشان می‌دهد که باید در شعر گذشته و امروز مطالعه بیشتر داشته باشید. شاعری یعنی مرتب کار کردن. با تفنن کسی - به شعر نمی‌رسد. ثانیاً کتابهای مرا باید از کتابفروشیهای تهران یا بوشهر تهیه فرمائید، بعضی از آنها هم در بازار نیست و باید تجدید چاپ شود.

● آقای حیدر حاجیان - شعرهای شما، مقدمه شاعری را نشان می‌دهند. کار زیاد و سنجیده کنید و پس از این که خود قانع شدید که به نتیجه رسیده‌اید برای نشریه بفرستید.

● آقای علی حبشی - داستان شما برای چاپ داده شده. حتماً در نوبت چاپ است. اما در مورد نواقص کار ، مقداری حق با شما است و مقداری هم از کمبود نیرو و وقت من که به همه چیز بطور دقیق نمی‌رسم. ولی داستانها همه خوانده می‌شوند و به مدیرمسئول داده می‌شوند. ولی «واردات» خیلی زیاد است و نوبتها، دیر می‌افتد. ببخشید.

● م.سپنتا - ناچاریم باز هم همان پاسخ قبل را تکرار کنیم. شعرهای شما از نظر فرم و قالب و قافیه نواقصی دارد که باید با کار زیاد مرتفع شود. بیشتر بخوانید و وقتی خود متوجه نقائص کار خود شدید، شعرهایتان را برای ما بفرستید.

● آقای محمود دشتی - شعر زیاد بخوانید تا مفهوم وزن و قافیه و قالب غزل را بهتر بشناسید و بعد برایمان شعر بفرستید - متشکریم.

● آقای حسین کشاورز - قصه شما را برای نوبت چاپ به مدیرمسئول دادیم.

● آقای نیما - مقاله شما را درباره نیما - گرچه دیر به دست من رسید - برای چاپ به مدیر مسئول دادم. البته شما می‌توانستید وقت بیشتری می‌گذاشتید و مقاله موجزتری و دقیق‌تری می‌نوشتید، ولی در مجموع کارتان خوب بود قبول کنید که کار تحقیقی دقت و وقت بیشتر می‌برد - موفق باشید.

سعید

در سوگ سعید حاجیوندی

● مهدی سهیل‌فرد



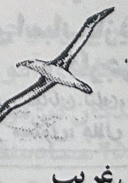
سمت آبی دریا
کسی بود، با سرانگشتانی عاشق
کسی بود با چشمانی به وسعت یک رؤیا

***

سمت غربت یک بندر
پسری بود با دستی نوازشگر بر سه تار
که نُتهایش از تنهایی و غربت سرمشق می‌گرفت
بر قله‌های تنهائیش می‌نشست
و بااِضراب تارش
روح آسمان را نوازش می‌کرد.

***

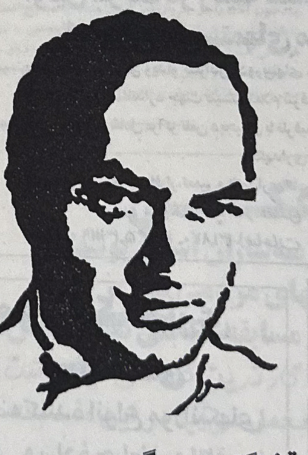
و اینک تو می‌دانی و من
در غروبی خاموش
سه تاری سمت بندر
سرانگشتانی عاشق را
به انتظار نشسته است،
تا اَبد...؟!



فصل غریب

● مریم آریایی

من ماندم و پیشانی غبار نگاهت
در کوچهٔ غربت‌زده و زار نگاهت
ای فصل خوش شاعریم زرد گشتی
دل را نرساندی به غزلسار نگاهت
خورشید دلم پشت دماوند دلت مُرد
وقتی سحرم گشت، شب تار نگاهت
گفتی نروم، ماندم و آتش زدم این دل
شاید که بسوزد دل تبداز نگاهت
یک فصل غریب از افق خلوت چشمم
کوچید و دلم مانده گرفتار نگاهت
می‌مانم و امشب به امید سحری سبز
خواهم که خدا بشکند اسرار نگاهت

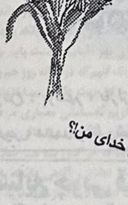


قشنگترین مرگ

تقدیم به دکتر علی شریعتی
بمناسبت دوم آذر سالروز تولد دکتر شریعتی

● فرشید فرهمندنیا

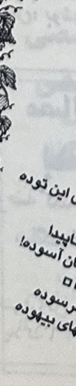
دایم به سمت عقربه‌ها بال می‌گشود
مردی که لحظه‌لحظهٔ عمرش بهاربود
از نسل آفتاب دلی داشت مهربان
از جنس بی‌قراری و غم نیز تار و پود
رفت و تمام زندگی‌اش را سرود کرد
رفت و نوشت قصه‌ای از خشم و خون و دود
ای آخرین صدای پر از گردباد و درد
ای صورتت زسیلی ناباوران کبود!
آنقدر باصفایی و عاشق که آسمان
با بارشی زلال، «کویر» تورا ستود
با رودهای جاری اشک و شکوفه رفت
بر خوابهای آبی دریا دری گشود
تصویر بیت آخر عمرش شنیدنی است: با خون خود
قشنگترین مرگ را سرود



گناه فصل تازه

● پروین افگانه

در گلیم کهنهٔ نگاهِ من
روز، شب
شبانه، روز
عشق را چه می‌کنی خدای من؟!
شانه گیس باد را
شکسته است
به بوسه بسته است.
ای «سلام» و روزتان بخیر باد!»
ای «سلام و روزتان بخیر باد!»
فکر باغ و دشت را
مشکِ ساده‌دل به روی شانه می‌برد.
زیر پای شب
دلی!
جوانه زد:
عشق را چه می‌کنی خدای من؟!



گامهای بیهوده

● رضا جمالی - کاکی

جاده‌های پی درپی، گامهای فرسوده
دشتهای همواره، بادهای بیهوده
آسمان دور از دست، آفتاب افسرده
بی‌عبور و بی‌آهنگ ابرهای آلوده
ابر خشک نازا را گو نبر دل ما را!
جرعه‌ای ز باران نیست در هوای این توده
□□□
مانده‌ایم و میمانیم ناپدید و ناپیدا
پشت اینهمه فرسنگ، دوستان آسوده!
□□□
بادهای همواره دشتهای فرسوده
جاده‌های پی در پی، گامهای بیهوده



ضربان قلب ما

● زهرا کردو

با صداتر از یک سکوت
از پایان آبی‌ترین نقطهٔ امتداد
زیبائی برگهای رنگین برفها را
تا حضور یک زمستان
به سلام بخشیده‌ای
مثل تمامی عصرهای آشنا
همدوش باران در غربت ظهر تابستانی سرشار می‌شوی
و دستانت آنچه را که صبحها داشتی از تعدد ضربانهایت می‌ربایند
آنسو آنطرف‌تر از تیک تاک ساعت
شاید به دنبال رنگ حقیقی مهربانی هستی
و اکنون باید تنها یک آرزو داشت.
طلب ضربان قلبی که بی‌ریا بتپد
راستی آیا فردا قلب ما ضربانی برای حضور خواهد داشت؟!

چند سؤال یک شهروند جوان از استاندار بوشهر

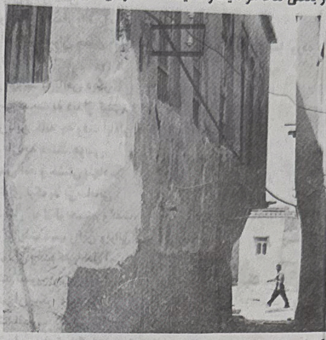
● ابوالحسن عمرانی

آقای استاندار، مقاله زیر را بنا به وظیفه اخلاقی و وجدانی نوشته شده و بیشتر از سر دلسوزی هست، خالصانه با شما درمیان می‌گذارم به نمایندگی از تمامی هم استانیهای عزیزم، باشد که پذیرا باشی. همیشه اوقات با خود نجوا می‌کنم که اگر روزی در مقام اجرائی قرار می‌گرفتم خودم را وقف مردم استان کنم و مدام این افکار آرمانی را در ذهن خود بازپروری می‌کنم و می‌گویم که ای کاش مقامات اجرائی استان زرخیز ما هم همین احساس را در خود پرورش دهند. و قبل از اینکه منافع شخصی خود اندیشه نمایند به منافع اجتماع خود بیندیشند. با خود می‌گویم که اگر روزی مسئولیتی به من محول شد صداقت در گفتار و کردار را سر لوحه کار خود قرار دهم و با مردم رو راست باشم و بدون هیچگونه توقع و چشمداشتی خود را وقف مردم کنم. با خود می‌گویم در بطن جامعه رفته، مشکلات مردم را درک بنمایم و آن دختری را که به خاطر فقر مالی و بنا به حجب و حیا و اصالت خانوادگی از دو طرف چادر خود استفاده می‌کند و در هنگام ورود به مدرسه آن طرفی که نوتر است می‌پوشد تا احساس حقارتی پیش دوستان خود به او دست ندهد و در هنگام خروج از مدرسه آن طرفی که به خاطر آفتاب‌زدگی رنگ آن کهنه‌تر شده نمایان می‌کند. او را بشناسم. این اتفاقی که برای خود بنده رخ داد و بسیار هم تأسف خوردم. آقای استاندار دلم می‌خواست که روزی که جنابعالی مأمور به بوشهر شدی صادقانه با ما حرف می‌زدی و شعارهای آرمانی خود را به عمل می‌رساندی. امیدوارم که نتایج شعارهای آرمانی شما را هر چه زودتر ببینیم. دلم می‌خواست که از نزدیک مشکلات مردم را لمس می‌کردی و لااقل هفته‌ای یکبار در معرض دید ما قرار می‌گرفتی و خیلی ساده و بدون ریا در شهرهای ما قدم می‌زدی و لااقل احساس همدلی می‌کردی. زیرا که بنده به شخصه یکی از وزرای دولت کنونی را مشاهده نمودم که بدون ریا در بازار یکی از شهرها قدم می‌زد و حیطه عملکرد وزارت خود را می‌سنجید.

به خود اجازه می‌دهم که از شما سؤال کنم که در استانی که بیکاری بیداد می‌کند چه برنامهٔ جامع و علمی برای اشتغالزایی ریخته‌اید؟ تاکنون چند طرح اشتغالزایی را به بهره‌برداری رسانده‌اید، و یا لااقل مقدمات آن را فراهم کرده‌اید. نرخ بیکاری را به چه مقدار پائین آورده‌اید؟ شما چه فکری برای جوانان این استان کرده‌اید و کدام طرح را با سرمایهٔ کافی در اختیار جوانان قرار داده‌اید؟

آیا شما گزارش جامعی از شرکتهای تعاونی و خصوصی استان در اختیار دارید تا ببینید که همهٔ آنها با کمبود نقدینگی و یا بحران اقتصادی مواجه‌اند؟!

پس از ماهها صحبت کردن و دادن وعده‌های شیرین به مردم و گرفتن قول مساعد گازرسانی و به زمین زدن کلنگ پروژه گازرسانی بوشهر در دولت سابق در یکی از ویژه‌نامه‌های همشهری (۷۷/۶/۵) اذعان داشته‌اید که گازرسانی به بوشهر از لحاظ اقتصادی توجیه ندارد. با فرض اینکه توجیه هم نداشته باشد (البته که توجیه دارد) آیا شما لااقل نگفته‌اید که این مردم به خاطر زندگی کردن بر روی بزرگترین پالایشگاه گاز خاورمیانه لااقل حق دارند که گاز را به مقدار بسیار ارزانی نسبت به بقیه مناطق بدست آورند، نه به اینصورت که در بعضی نقاط هر سیلندر تا قیمت ۵۰۰ تومان هم برسد.



آیا شما تا کنون چند شرکت بسته‌بندی خرما در استان را آماده استفاده کرده‌اید و یا لااقل چه فکری به حال آنها کرده‌اید و چه تقویت مالی برای آنها انجام داده‌اید تا به بهره‌برداری برسند؟

آیا شما توجه کرده‌اید که با ایجاد یک شرکت بسته‌بندی چه مقدار اشتغالزایی ایجاد شده و از طرف دیگر محصول خرما با قیمت بالاتری صادر می‌شود و نهایتاً ارز بیشتری وارد کشور می‌شود و بقیه اثرات جانبی آن. آیا مردم استان حق ندارند سؤال کنند که چرا ما باید اینچنین در فقر و نداری زندگی کنیم، چرا در استانی که دارای میزان بالای بیکاری است باید ادارات ما از نیروهای غیربومی استفاده کنند در حالیکه نیروهای تحصیل‌کرده خود استان، پشت درهای بسته بازار کار به مدت ۲ الی ۳ سال منتظر می‌مانند. آیا استفاده غیرصحیح و نامعقول از منابع، چیزی جز اسراف است؟ چه فکری به حال من نوعی که تا چند صباحی دیگر به صف جوانان جویای کار می‌پیوندم کرده‌اید؟ آیا از نیروهای مشغول به تحصیل استان در سراسر دانشگاههای کشور اطلاع حاصل کرده‌اید که با چه فقری مشغول به تحصیل هستند. بنابراین بعنوان یک شهروند به خود اجازه می‌دهم که چند پیشنهاد ارائه دهم امیدوارم که مورد استفاده قرار بگیرد و اگر اشتباهی وجود دارد پاسخ مناسب داده شود. پیشنهادات:

۱ـ تشکیل کانون دانشجویان بومی مشغول به تحصیل در سراسر کشور و اعطای بورس تحصیلی در حد امکان به آنها.

۲ـ استفاده از نیروهای تحصیل کرده استان در مدت سربازی در سازمانهای تولیدی و غیرتولیدی بوشهر و استفاده از تخصص آنها در سازمانها.

۳ـ بکارگیری تمامی نیروهای بومی استان و اشتغال به کار آنها در دستگاههای دولتی و غیردولتی و پس از آن استفاده از نیروهای غیربومی.

۴ـ تشکیل جلسات مشترک با نمایندگان مردم در مجلس و مدیران کل و تدوین برنامه‌های جامع و علمی و اعلام آن به مردم.

۵ـ تشکیل کمیتهٔ تحقیقات در محل استانداری و استقبال از محققین و سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و حمایت از محققین.

۶ـ فعال نمودن تعاونیهای بسته‌بندی خرما و تقویت مالی آنها و ایجاد طرحهای دیگر جهت استفاده بهینه از کلیه محصولات نخل از جمله طرحهای نئوپان‌سازی ازساقه نخل در صورت توجیه اقتصادی.

۷ـ سرمایه‌گذاری در بخش فراورده‌های شیلاتی و جذب بودجه مخصوص جهت حمایت از اینگونه صنایع.

۸ـ ایجاد و گسترش مراکز فرهنگی در سطح استان از طریق گسترش کتابخانه‌ها و سینماها و دیگر مراکز فرهنگی.

۹ـ گسترش رشته‌های تحصیلی در دانشگاه خلیج‌فارس و جذب نیروهای متخصص جهت تربیت دانشجویان.

۱۰ـ برنامه‌ریزی جامع استانی بوسیله کمیته‌ای متشکل از نمایندگان ادارات کل، سازمان برنامه و بودجه، نمایندگان مجلس و اساتید خبرهٔ دانشگاه و تدوین برنامه صحیح.

۱۱ـ افزایش نمایندگان استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی از سه نفر به ۵ نفر به صورت یک نماینده برای دیلم و گناوه، یک نماینده برای برازجان و تخصیص یک نماینده برای حوزه‌های انتخابی کنگان، یک نماینده برای تنگستان و دشتی و یک نماینده برای بوشهر.

۱۲ـ اخذ درصدی از وجوه درآمدی گاز پالایشگاه کنگان و مصرف آن جهت کارهای زیربنائی و طرحهای عمرانی.

۱۳ـ فعال کردن گمرکات استان بوشهر و حذف قوانین دست و پا گیر جهت فعال کردن امر صادرات و تخصیص درصدی از گمرکات استان جهت‌ساخت‌شهرهاوگسترش‌راههای‌ارتباطی بین شهرهای ساحلی.

بنابراین انتظار می‌رود اگر چه پیشنهادات فوق آرمانی هستند و تا زمانی که شاهد نتایج آن باشیم زمان زیادی می‌برد ولی لااقل در جهت نیل به این پیشنهادات که خواسته واقعی مردم هستند قدمی مثبت برداشته شود.

و در پایان این سؤال از خود بپرسیم که چه سهمی در توسعه استان داشته‌ایم تا در پایان بتوانیم با صدای بلند و در برابر وجدان خودبگوییم‌که ما آنچه‌درحد‌توان‌داشته‌ایم درجهت‌توسعه‌انجام‌داده‌ایم.

زندگی در پرتو قانون

چه وقت حق طلاق با زنان است؟(۲)

● زیبا هوشیار - وکیل پایه یک دادگستری

هرگاه عسر و حرج زن

بر دادگاه معلوم و ثابت گردید حق طلاق برای زن محفوظ است که این عسر و حرج را می‌توان در شرایط زیر گنجانید.

۱- شوهر سایر حقوق واجبه زن را رعایت نمی‌نماید و احیاء از طرف محکمه نیز ممکن نباشد.

۲- در صورتی که شوهر مبتلا به یکی از امراض صعب‌العلاج باشد و ادامه زندگی برای زن موجب مخاطره باشد.

۳- شوهر سوء رفتار دارد بحدی که ادامه زندگی با وی برای زن امکان‌پذیر نباشد (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی) و مورد دیگر اینکه چنانچه زن به مدت چهار سال از همسر غایب مفقودالاثر خود خبری دریافت ندارد حق تقدیم دادخواست طلاق دارد و از طرف محکمه نیز پس از ثبوت قابل پذیرش است (ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی). نظر به استحکام عقد نکاح عامل انحلال آن می‌بایست از همان قدرت برخوردار باشد. کما اینکه قانونگذار پس از صدور حکم طلاق، جهت اجرای صیغه طلاق حضور دو نفر مرد عادل بعنوان شهود را تأکید نموده است.

درخصوص حق درخواست طلاق برای مرد که در ماده ۱۱۳۳ آمده است قابل توجه است که محکمه علاوه بر تعیین جلسات دادرسی و ایراد نصایح لازمه جهت ایجاد صلح و سازش نیمابین آنها، حسب آیه کریمه آنان را جهت ارشادات لازم به داور مرضی‌الطرفین و یا معرفی شده از جانب هر کدام، معرفی تا شاید داور تعیین شده اقداماتی در جهت مصالحه آنان انجام دهد. در غیراینصورت دادگاه پس از اخذ نظریه داور و یا وجود شرایط لازمه دیگر حکم به طلاق می‌دهد. از جمله اقسام طلاق می‌توان طلاق خلع نام برد و آن اینکه زن به واسطه کراهتی که از شوهر دارد با بذل مبلغی اعم از مهریه و یا غیره و یا حتی بیشتر و یا کمتر از مهریه به شوهر خود بذل نماید و از وی طلاق بگیرد که در حال حاضر بیشتر دادخواستهای طلاقی که از جانب زنان داده می‌شود به نتیجه فوق منجر می‌گردد و همان اصطلاح (مهر حلال و جان آزاد) صدق می‌گردد.

در هنگامی که مرد متقاضی طلاق می‌گردد پس از انجام عملیات مقدماتی می‌بایست حقوق مسلمه زن خود را پرداخت نماید و سپس او را طلاق دهد و این حقوق اعم از مهریه، نفقه گذشته و حال و نفقه زمان عده و نیز نحله می‌باشد، که دادگاه رسیدگی‌کننده به همه این امور توجه داشته و حقوق زنان را در نظر می‌گیرد و در صورتی که مرد قادر به پرداخت حقوق مزبور نقداً نباشد دادگاه به اخذ تضمینات مناسب، بدهی وی را تقسیط می‌نماید.

آقایان تعاونی مرزنشینان پول مردم را پس بدهید

چندین سال است شرکت تعاونی مرزنشینان بوشهر از هر نفر ده هزار ریال جهت عضویت در تعاونی اخذ نموده است. تعدادی از مردم کالائی دریافت نکرده و تعدادی هم که یکی دو بار دریافت کرده‌اند بسیار بسیار ناچیز بوده و قیمت آن با بازار تفاوت چندانی نداشته است. مقدار پول جمع‌آوری شده با احتساب بهره آن در این مدت سر به میلیاردها می‌زند. این پول چه شده خدا می‌داند. مگر نه این تعاونیها برای کمک به قشر به اصطلاح آسیب‌پذیر است. پس چه شد؟ ای داد و ای بیداد ما کمک نخواستیم.

ما را به خیر تو امید نیست شرمرسان. می‌گویند هزاران نفر عضو شرکتهای تعاونی مرزداران استان هستند. یعنی چند تومان از آنها پول دریافت شده است؟! باور کنید اگر یک مدیریت صحیح وجود داشت با این مقدار پول همراه با بهره بانکی آن می‌توانستند دهها خیابان و مدرسه و کتابخانه و ... در سطح استان ایجاد نمایند و مردم هم راضی بودند ولی حال با این پول چه کاری برای استان و مردم انجام شده است. بعد از چندین سال اگر کالائی به مردم نمی‌دهند لااقل تعاونی بوشهر پول مردم را مسترد نماید هر چند که این پولها نصف ارزش قبلی خود را هم ندارند. «یک شهروند - بوشهر»

گلایه جوانان بردخون از صدا وسیما

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت دست اندرکاران آن هیئت تحریریه محترم. مگر نه تهاجم فرهنگی تنها حربه سیاسی استکباران و دشمنان اسلام جهت کمرنگ نمودن این انقلاب اسلامی که دستاورد پیر عارف حضرت امام خمینی (ره) است.

در هر محفلی که پا می‌گذاری بحث از جوانان به میان کشیده می‌شود و دریغ از اینکه کسی نیست که از مسئولین صداوسیمای استان بوشهر که بیشترین نقش را در مقابله با تهاجم فرهنگی ایفا می‌نمایند سخنی به میان آورد. گلایه ما جوانان بخش بردخون این است که قریب به یکسال از افتتاح ایستگاه فرستنده چهار شبکه‌ای بردخون می‌گذرد ولی متأسفانه به دلیل تداخل شبکه یک و سه با کشورهای عربی و قطع تصویر شبکه دوم از خرداد ماه سال ۱۳۷۷ هیچ یک از مسئولین امر حاضر نشده‌اند حتی برای بازدید از ایستگاه مذکور با توجه به اینکه کلی هزینه جهت راه‌اندازی آن صرف گردیده، حداقل ماهی یکبار به بخش مراجعه نمایند و تنها انتظارشان این است که بخشدار محترم بردخون آنان را در جریان امر قرار دهند. آیا صحیح است. در پایان ضمن تشکر از مسئولین صداوسیما که اینچنین با تهاجم فرهنگی مبارزه می‌نمایند، خواهشمند است مطالب فوق را به محض وصول در اولین شماره چاپ نمائید. «از طرف جوانان محروم از امکانات بخش بردخون»

معماری و شهرسازی در بوشهر (پیشنهادها و انتقادها)

● عبدالظیم فرزانه

یکی از راههای توسعه کشور که اهمیت فراوان دارد اصلاح الگوی شهرسازی و معماری است بیشتر طرحهایی که از جهت ساختمانی در کشور پیاده می‌شود هیچ تناسبی با بوم‌شناسی و جغرافیای محلی ندارد. چنانچه ما بتوانیم با توجه به آب و هوای منطقه طراحی نمائیم از جهت ارزی و بودجه نیز کمک بزرگی به سرمایه‌های ملی نموده‌ایم. ما در این مقاله به دنبال آن هستیم تا دیدگاه خود را درباره صنعت ساختمان در شهر بازگو نمائیم و امیدواریم علاقمندان درباره این مطلب دیدگاههای خود را بنویسند. تعریف ساختمان و مسکن در بوشهر این است: «مجموعه‌ای از دیوارهای بار بر و غیرباربر و تقسیم آنها به چند اتاق بدون توجه به نور و سرما و گرما». در این ساختمان سازی بر هر اتاقی یک کولر گازی در نظر می‌گیرند.



معمولاً اگر کسی در فصل تابستان کولرش سوخت تقریباً او را از هستی انداخته و باید دنبال یک خانه قدیمی بگردد.

حقیقت این است که بوشهر چهار فصل دارد و به جای خودش خیلی هم دقیق است در هر ماه تغییرات جوی مهمی رخ می‌دهد که در آب و هوا تأثیر بسزائی دارد و درست است که گرمای رسمی از نیمه بهار آغاز می‌شود و تا ماه اول پائیز هم هوا گرم است ولی گرمای اردیبهشت و مهر با مرداد برابر نیست. روشن کردن کولر در همهٔ این ماهها یعنی ۶ ماه از سال نه اقتصادی است و نه برای سلامتی انسان سزاوار. در ماههای اول بهار و اول پائیز اگر بگونه‌ای ساختمان طراحی شود که از نسیم شمال غربی به ساختمان بوزد و اهل خانه بتوانند از این نسیم برخوردار شوند برای انسان سالمتر خواهد بود و از جهت سوخت و انرژی هم بصرفه است. تنها ساختمانهایی که بدست معماران هندی یا انگلیسی ساخته شده به این نکته توجه نموده‌اند آنها نه تنها کاشف استعدادها! وذخائر زیرزمینی ما بوده‌اند بلکه به آب و هوا و ساختمان‌سازی هم بهتر از خودمان پی برده‌اند. ما هیچ نیازی نداریم که از نور آفتاب در ساختمان بگریزیم بلکه باید هر چه بهتر از نور بهره ببریم و اگر دمای نور آفتاب بلاست باید چاره دیگری نمود. نه آنکه ساختمان را تاریک کنیم که در میانه روز هم باید در آن چراغ روشن نمود. اگر کشور ما از جهت دانش ساختمان و معماری در جهان عقب است باید بگویم نابسامانی معماری در هیچ جای جهان به اندازه بوشهر نیست حتی خانه‌های روستائی هم به این بی‌پیرایگی و ناآراستگی نساخته‌اند که هر کس به هر شکلی دلش می‌خواهد خانه بسازد بدون آنکه اطلاع و آگاهی داشته باشد. خانه‌ای که سرمایه عمر یک نفر است که آیا باید اجازه داد تا به این وسیله و بدون علم و تجربه بسازد.

ما چندین بار شهر را زیر خاک دفن می‌کنیم اگر شهرداری می‌خواهد خیابان یاکوچه‌ای را آسفالت کند اولین کار، آوردن چند ماشین مخلوط و خاک به درون کوچه یا خیابان است. بدون توجه به اینکه چه بر سر صدها خانه بیاید. پس از آن هر کسی که قدرت مالی بیشتری دارد شروع به خاک ریزی می‌نمایدو یک متر یا بیشتر کف ساختمان و حیاط خود را بالا می‌آورد در حالیکه این کارها جز هدر دادن سرمایه ملی و بی‌شکل کردن جغرافیایی شهر چیز دیگر نیست. در ساختمانهایی که ساخته می‌شوند نه استاندارد فضای سبزرا درنظر می‌گیرند نه راه و سوی آب و نه خیابان‌کشی درست و اصولی و اینها همه به زیبائی شهر آسیب جدی می‌رساند.

توصیه‌های پزشکی

فرهنگ مصرف دارو - سخن اول

● دکتر فضل‌الله کشاورزی

هنگامی که بیمار می‌شوید و به پزشک مراجعه می‌کنید، انتظارتان از پزشک معالجتان چیست؟ ترجیح می‌دهید که تا حد امکان برایتان داروی کمتری تجویز کند یا به کمتر از پنج شش قلم دارو رضایت نمی‌دهید؟ آیا به اصرار از پزشک خود می‌خواهید که فلان قرص یا بهمان شربت را هم برایتان نسخه کند؟ آیا هر از چند گاهی به داروخانه مراجعه نموده و بدون تجویز پزشک تقاضای دارو می‌کنید؟ آیا اطمینان دارید که داروی مورد تقاضایتان برای بیماری شما مفید بوده و فاقد زیان و خطر است؟ آیا می‌دانید طریقهٔ مصرف صحیح داروهای دریافتی‌تان کدام است؟

در این ستون خواهیم کوشید با بیانی ساده فرهنگ صحیح مصرف داروها را با خوانندگان در میان گذاشته و به پرسشهای دارویی خوانندگان پاسخ گوئیم، باشد تا بدین طریق گامی هر چند کوچک در افزایش سلامت و شادابی جامعهٔ خود برداشته باشیم.

داروهای بدون نسخه

تجویز دارو متناسب با نوع بیماری و شدت آن، سن، جنس و وزن بیمار تاریخچهٔ بیماری و بیماریهای همراه آن، توسط پزشک صورت می‌گیرد. با این حال اقلام محدودی از داروها توسط وزارت بهداشت به عنوان داروهای بدون نسخه (OTC) به رسمیت شناخته شده‌اند. چنین داروهایی بدون نسخهٔ پزشک از داروخانه قابل دریافت می‌باشند. برخی از فراورده‌های ضدسرفه و سرماخوردگی، ویتامینها و پاره‌ای از مسکن‌ها و امثال آنها در این دسته جا می‌گیرند. ذکر این نکته در مورد داروهای بدون نسخه ضروری است که بیشتر این داروها نیز دارای اثرات و عوارض ناخواسته و زیان‌آور می‌باشند. برای دریافت یک داروی بدون نسخه، جهت اخذ اثر مناسب و پرهیز از اثرات زیان‌آور دارو با دکتر داروساز داروخانه مشورت نمائید. وی شما را در انتخاب فراوردهٔ مناسب و شیوهٔ درست مصرف آن راهنمائی خواهد کرد. به عنوان مثال چندین نوع فراوردهٔ ضدسرفه وجود دارد که بسته به نوع بیماری، برخی از آنان برای بیمار زیان‌آور بوده و نباید مصرف شوند. به یاد داشته باشید که دارویی که در فرد مناسب، با مقدار مناسب و به شکل مناسب مصرف نشود، می‌تواند سم باشد. بنابراین هرگز بدون داشتن نسخهٔ معتبر، برای دریافت داروهایی که احتیاج به نسخهٔ پزشک دارند، پافشاری نکنید.

قرن اتم دنیا و قرن حجر بوشهر؟

● محمد سرخوش

ضمن عرض تشکر و قدردانی از وزارت نیرو که دستوری صادر کردند و مدیران و دست‌اندرکاران این استان را وادار نمودند تا توصیه نامه‌ای با کاغذهای گران قیمت روغنی چاپ و خانه به خانه توزیع نمایند و مردم را از بیرحمی این اداره آگاه نمودند و هشدار دادند اگر از وسایل برقی خانه‌هایتان استفاده کنید قبضی چنان و چنینی صادر خواهد شد. نگارنده را بر آن داشت که نکاتی چند به شهروندان عزیز توصیه کنم که دچار سکته و فشار زندگی در بوشهر نشوند؟

قرن اتم دنیا و قرن حجر بوشهر؟ توصیه‌های نگارنده را جدی‌تر بگیرید و مو به مو اجرا کنید که به استفاده شهروندان خواهد بود.

۱- برای روشنائی منزلتان از چراغ موشی یا شمع استفاده کنید فانوس و چراغ توری قدیم هم مرقون به صرفه است، البته اگر در آینده نه چندان دور نفتی وجود داشته باشد.

۲- به جای یخچال از خمره و حبّانه استفاده کنید. سفارش دهید تا از دیّر و کنگان خمره و حبّانه وارد شود.

۳- به جای فریزر به بازار آهنگران رفته سفارشی دهید تا ملّاله بسازند و خریداری کنید. بیرون خانه آویزان نموده و غذای فاسد شدنی را در آن جای دهید تا خراب نشود مانند ۱۰۰ سال پیش.

۴- به جای آب‌گرمکن هیزم و سرگین جمع‌آوری کرده و آتش کنید، با حلبی آب گرم کرده خود و بچه‌های معصوم را حمام دهید مانند ۱۲۰ سال پیش.

۵- به جای بخاری سرگین گاو آتش کنید پس از آنکه دودش افتاد به درون اتاق ببرید تا خانه گرم شود مانند ۱۴۰ سال پیش.

۶- به جای ماشین لباسشوئی هم می‌توانید به زنها و دختران خود دستور دهید طشتها را پر از لباس کرده به دریا ببرند با آب شور بشویند و بعد با آب چاه آبکشی نمایند مانند ۱۵۰ سال پیش.

۷- به جای اتو برقی به بازار آهنگران رفته دستور دهید تا اطوهای ذغالی قدیمی درست کرده و با ذغال و آهنی بنام اتو استفاده کنید اگر کتری هم پر از آب گرم کنید و روی لباسهایتان بکشید مرقون به صرفه است چون اداره برق استان بوشهر نوبرش را آورده، هر کاری دلش می‌خواهد انجام می‌دهد و هیچکس از مسئولین استان هم ککش نمی‌گزد چون مصرفی برق آنها مجانی است از قدیم گفته‌اند نه سیر خبر گرسنه دارد و نه سوار خبر پیاده. سئوال، آیا این برآوردهای اداره برق بوشهر هم در شهرهای بزرگ ایران توزیع نموده‌اند نه والله چون آن شهرها صاحب دارد... آیا مسئولین این برگه‌های اداره برق را دیده‌اند اگر دیده‌اند چرا سکوت کرده‌اند؟ دست آقایان درد نکند خیلی متشکریم. انتظار چنین روزی نداشتیم، نکات یادداشت شده بالا را فراموش نکنید چون مرقون به استفاده است، دولت دارد انرژی برق را به کشورهای بیگانه صادر می‌کند اما ملت هیچ.

بیچارگی و بخت بدو گردش ایام
هر چند قدم پیش نهیم باز پس آئیم

بدنبال علاجی برای دردهای خسته جوانان

● مجید حاجیانی ـ بوشهر

انسان آنگاه که در محیط کوچک خانه متولد می‌شود، تحت تربیت مستقیم والدین خود قرار می‌گیرد، و پس از رشد وارد اجتماعات بزرگتر می‌شود: مدرسه، اجتماعات مذهبی ورزشی و ... که همهٔ آنها را اجتماع بزرگتری (جامعه) زیر پوشش دارد که انسان برای رفع نیازمندیهای خود ناچار از پذیرش آن است، جامعه‌ای که دربردارندهٔ اجتماع خانواده، مدرسه، آینده، اجتماع قوی و عشیره‌ای و غیر آن است. یک جوان و یا نوجوان از آن جهت که نمی‌تواند نیازمندیها و احتیاجات خویش را بدون مساعدت دیگران برطرف سازد میل به زندگی اجتماعی پیدا می‌کند.

این میل جوان را با همهٔ اصناف و اقشار در هر شغل و مقامی که هستند مرتبط می‌سازد لذا باید نحوهٔ رفتار اجتماعی را بیاموزد. این تربیت اجتماعی است که از بروز حالت انزواطلبی در یک نوجوان جلوگیری می‌کند و روش صحیح ارتباط با سایرین را به انسان می‌آموزد. همنشینی با اشخاص در تربیت شخص بسیار مؤثر است. ارتباط با دیگران در مدرسه و کوچه و مجالس در نحوهٔ سخن گفتن و رفتار و پرورش شخصیت اثر می‌گذارد و در طرز فکر جوان یا نوجوان بسیار مؤثر است.

اگر محیط اجتماعی (مدرسه، سینما، بازار، خیابان، کوچه، پارک و ...) آلوده باشد اثرات نامطلوبی در افراد بخصوص جوانان و نوجوانان که از تجربه لازم برخوردار نیستند خواهد گذاشت، قرنها گذشت و اکنون که در آستانهٔ قرن ۲۱، قرن جبر، حساب، مقاله و رایانه هستیم بچه‌های این سرزمین که سبز بودن آدمهایش بر سبزی سرزمینش رجحان دارد هنوز سیمای حقیقی رایانه را ندیده‌اند و هنوز با دنیای تازهٔ علم بیخبرند.

جوانان این مرز و بوم خیلی چیزها را هنوز بدست نیاورده‌اند، آنها با دنیایی که اغلب زرد رنگ است، نه چشم‌انداز امیدواری به آینده دارند و نه وضعیت فعلی‌شان را می‌پسندند. آنها شبهایی را که می‌توانند در مراکز علم و ادب و فن بگذرانند، یا با عقدهٔ تنهائی خویش در کنج، خلوتشان سر می‌کنند و یا در بزک بیهودهٔ دوستان.

فشردگی زندگی، از نسل جوان ما گره‌ای ساخته، باز نشدنی و حلقه‌هائی ساخته، فسرده و مغموم.

پس باید چاره‌ای جست، بایستی گشت و راه علاجی یافت تا درمانی باشد بر دردهای خستهٔ جوانان.

اگر کانونهای خانواده و جمعهای دوستان و محیطهای دانش‌اندوزی چنانچه از جاذبه‌های ملایمت و نرمخویی بهره‌مند باشند، گرمی و حرارت و صمیمیت بیشتری بر آنها حاکم می‌باشد و بالعکس چنانچه رابطه‌های خشک و انعطاف‌ناپذیر بر این جمع و دسته حکمفرما گردد، بدترین آثار روحی و روانی را بر جای خواهد گذاشت. راه دیگر اینکه، آنانکه مسئولند و مأمور، توجهی نیز به چشمهایی کنند که سالیان است در زیر پلکهای خستهٔ انزوا، مظلوم و مغموم به پائین خیره شده‌اند.

امید اینکه آینده‌ای روشن و جامعه‌ای سالم برای جوانان این مرز و بوم داشته باشیم.

آزادی، ملازمهٔ حاکمیت دینی

● داریوش رزمی

طرح مسئله آزادی بعنوان ملازمه حاکمیت دینی می‌تواند با طرح این سؤال شروع شود که اگر دینی در جامعه‌ای حاکم شد و متولیان رسمی حکومت قصد ایجاد جامعه‌ای دینی را داشتند چه خطراتی دین را می‌تواند تهدید نماید. قبل از پاسخ ذکر یک نکته در این باب ضروری است و آن اینکه حاکمیت دینی در هر جامعه‌ای عبارت از حاکمیت بایدها و نبایدهای دینی و به عبارت بهتر ایدئولوژی دینی است. منتها با این تفاوت که دین امری عام است و ایدئولوژی امری خاص، یعنی در هر دورهٔ تاریخی و در هر شرایط خاص، ایدئولوژی ویژهٔ همان دوره و همان شرایط خاص از منابع دینی و توسط عالمان و روشنفکران دینی ایجاد و ساخته می‌شود. به عبارت بهتر دین مقوله‌ای ثابت است و ایدئولوژی مقوله‌ای متغیر. پس می‌توان نتیجه گرفت که ایدئولوژیهای دینی قابل بازسازی و اصلاح هستند. پس بازسازی حاکمیت دینی در جامعه با شناخت نقاط ضعف این حاکمیت و نیز وجود آزادی در بیان این ضعفها و بالاخره کمک جهت حذف ضعفهای حاکمیت دینی همراه است و اگر چنانچه شناخت ضعفها و آزادی در بیان ضعفهای شناخته شدهٔ حاکمیت ایدئولوژیک دینی وجود نداشته باشد جامعه و مردم درون جامعه بعنوان طرف این حاکمیت با خطراتی به قرار زیر روبرو می‌شوند:

۱ـ تظاهرگرائی: واقعیت آن است اگر یک ایدئولوژی و یک قرائت رسمی از دین بعنوان این است و جز این نیست بخواهد بر ساختار کلی اجتماع حاکم باشد و آزادی را نیز با بنیاد نهادن تک‌صدائی به مسلخ ببرند در آن صورت افراد جامعه ظاهراً خود را ملتزم به رعایت این بایدها و نبایدهای قرائت رسمی نشان می‌دهند چرا که عدم تظاهر در چنین جامعه‌ای منجر به محرومیت، انزوا و تضییع بسیاری از حقوق و آن هم از سوی حاکمیت می‌شود در نتیجه مردم جامعه آراء و نظریات واقعی خویش را در پستوها و مجامع خصوصی بیان می‌دارند و بسیاری از اعمال و نیز بیان عقاید که به زعم حاکمیت ضد ارزشند به وفور در لایه‌های زیرین اجتماع رد و بدل می‌شود. همچنین در چنین جامعه‌ای پوشیدن یک نوع لباس و با فرم خاص، آرایش صورت به یک وضع خاص، نشان دادن تبعیت تصنعی از یک فرد یا یک جریان خاص، سخن گفتن به طریقه‌ای قالب‌بندی شده، خلاصه رفتار در چهارچوب معین، بعنوان انگارهٔ رفتاری مورد پسند حاکمیت درمی‌آید. در نتیجه این تظاهرگرائیها می‌تواند روابط عمومی بین افراد اجتماع را به چالش بکشاند. و جامعه را به جامعه‌ای دروغگو، متقلب و متظاهر تبدیل نماید.

۲ـ عدم اصلاح در سیستم جامعه: در هر سیستمی جهت تکامل آن و جلوگیری از انهدام، اجزاء باید سه نقش را ایفاء نمایند، آن سه نقش عبارتند از: بازخور اطلاعات، اصلاح و انطباق. اولین مرحله سه‌گانهٔ ذکر شده مرحلهٔ بازخور اطلاعات است و آن زمانی مطرح می‌شود که سیستم دچار اشکال باشد و اجزاء هشداردهندهٔ سیستم بخواهند اشکالات را اعلام کنند مانند آمپرسنج اتومبیل و حس تحریک بخصوص درد بعنوان علائم بسیاری از بیماریها در بدن، جامعه نیز از این قاعده مستثنی نیست و در جامعه‌ای که بازخور اطلاعت بعنوان یک فرایند توسط عالمان، اندیشمندان و بطور کلی آحاد جامعه صورت نگیرد و اشکالات، معضلات و تنگناهای جامعه با بهانه‌های واهی و به عبارت بهتر با هر بهانه‌ای اجازهٔ بروز پیدا نکند و اجزاء سیستم بطور عام یعنی مردم حق بیان ضعفها و مشکلات را نداشته باشند در آن صورت تنها صورت مسئله پاک می‌شود در حالیکه خود مسئله و معضل می‌ماند و در نتیجه در حالیکه مرحلهٔ بازخور اطلاعات به درست صورت نگرفته و نوبت به مرحلهٔ اصلاح نمی‌رسد. با این اوصاف و درحالیکه ممکن است بسیاری از بایدها و نبایدهای جامعهٔ دینی قابل تشکیک و نیز دچار ضعف باشند، می‌بایست به مردم و بخصوص روشنفکران و عالمان این اجازه را داد که ضعفها را بیان نمایند تا راه برای اصلاح جامعه دینی هموار شود. و این ممکن نیست مگر در آزادی بیان و عقیده.

> **وجود حاکمیت دینی بدون وجود آزادی بیان، موجب تضعیف نشاط دینی در جامعه، سلب قدرت خلاقیت از جامعه، دفن اندیشه‌ها و افکار در پستوی ذهنها، حاکم شدن جمود و خستگی بر جامعه و خلاصه بسیاری واماندنها در عرصه‌های حرکت و پویایی می‌شود.**

۳ـ استبداد دینی: در جامعه‌ای که دیانتش عین سیاستش است هرگز نمی‌پذیرد که دیانت در خدمت سیاست باشد و دین بازیچهٔ تزویر سیاستمداران گردد. این ممکن نیست مگر در آزادی بیان. به واقع در جامعهٔ بسته که در آن دین نیز می‌خواهد حاکمیت داشته باشد چهرهٔ زیبائی دین ملعبهٔ دست انحصارطلبانی می‌شود که تمام مقدسات دینی را سُخره مطامع دنیوی خویش می‌گردانند و هر ابراز عقیده مخالفی را به بهانهٔ مخالفت با دین سرکوب می‌نمایند تا خود بتوانند به آسانی قیصری کنند و بساط کسروی خویش را پهن نمایند. اما شکل دیگر استبداد دینی در صنفی و قشری شدن حاکمیت دینی امکان بروز پیدا می‌کند یعنی محدود شدن حاکمیت دینی به قشری خاص و نیز محدود شدن تفسیر دین به قشری خاص که کم‌کم می‌تواند زمینهٔ استبدادزدگی جامعه و آن هم توسط قشر و صنف خاصی را فراهم نمایند.

و بالاخره شکل دیگر استبداد دینی سلیقه‌گرانی مفسرین قشری دین و اعمال سلیقه‌هائی به ظاهر دینی که نتیجهٔ طبیعی آن رخت بربستن علم‌باوری و تعقل‌گرائی از جامعه بسته است.

بهرحال نتیجه‌گیری کلی آن که وجود حاکمیت دینی بدون وجود آزادی بیان، موجب تضعیف نشاط دینی در جامعه، سلب قدرت خلاقیت از جامعه، دفن اندیشه‌ها و افکار در پستوی ذهنها، حاکم شدن جمود و خستگی بر جامعه و خلاصه بسیاری واماندنها در عرصه‌های حرکت و پویایی می‌شود. درحالیکه راه چارهٔ همه دردها سهل است و آن وجود آزادی بیان به همراه اندیشه‌ای سپید و مغزهائی فارغ از زنجیرهای بیداد است.

اینهم نشد مسابقه!

در حاشیه مسابقه آشنائی با بوشهر

«هدیه به فامیل و همکاران!!»

● مهدی یوسفی ـ مهندس شیمی کارمند پالایشگاه ولیعصر(عج) کنگان، اهل پشتکوه دشتستان

توضیح نسیم: خودمانی بودن این نامه سبب چاپ آن شد. ضمن اینکه امیدواریم کسانی که به نوعی نامشان در این مطلب آورده شده، از باب احوالپرسی یک بوشهری به این نامه نگاه کنند و لاغیر. اما چه خوب است که هرچند وقت شوکی به معلوماتمان (خصوصاً در مورد بوشهر) وارد آید تا یادمان نرود که چقدر کم می‌دانیم و از دیار خود چقدر بی‌اطلاعیم و شاید سوالات مسابقه آشنائی با تاریخ بوشهر نیز اینچنین باشد.

برای سردبیر محترم جناب قیصی‌زاده

ذکر خیر هفته نامه نسیم رو شنیده بودم. خیلی زیاد، ولی هیچوقت اونو از نزدیک ندیده بودم ـ شنیدن کی بُوَد مانند دیدن ـ نه اینکه اهل مطالعه نشریه نباشیم ها، نه اتفاقاً خیلی هم علاقمندم، ولی از زمانی که توی پالایشگاه ولیعصر جم استخدام شدیم دیگه کمتر موفق می‌شم روزنومه و مجله گیر بیارم. نمی‌دونید که جم به کشورهای کمونیستی می‌مونه، کسی حق نداره اطلاعات داشته باشد! از روزنومه و مجله که خبری نیست، هیچ، تلویزیون هم اگه درست باشد فقط یک شبکه رو می‌گیره. چه کار می‌شه کرد آخه عصر انفجار اطلاعاته دیگه!! گذشت تا چند روز پیش چشمم به نسیم افتاد اونم کجا! کنار نشریه شلمچه! بی‌درنگ هر دو رو خریدم. «شلمچه و نسیم‌جنوب» چقدر به هم میان! یکی با بَه‌بَه و چه‌چه صحبتهای لاریجانی را چاپ کرده بود، اون یکی هم که شما باشین خودتون بهتر می‌دونید!

یکی (نسیم جنوب) عباس عبدی را روزنامه‌نگار موفق سالیان اخیر دیده بود و دیگری فردی بی‌سواد و بی‌استعداد و مقلّد کور ژنرال پوپر!! یکی نماینده‌های مجلس رو به بی‌کفایتی متهم کرده بود که هر چه دولت می‌خواد براش تصویب می‌کنن اون یکی انتقاد کرده بود که چرا نمایندهٔ دشتی و همفکرانش چوب لای چرخ دولت می‌گذارن! خلاصه تا بخواهی از این تشابهات و نزدیکی قلوب!! خُب این هم از عوارض، ببخشید فواید جامعهٔ مدنی است که قیصی‌زاده و ده‌نمکی هردوشون آزادن هر چی می‌خوان می‌نویسن! خدا را شکر. می‌خواستم از مسابقه آشنائی با تاریخ بوشهر انتقاد کنم کارم کشید به سیاست. حماسهٔ دوم خرداده دیگه، همه سیاستمدار شدن! ما نفهمیدیم که سؤالات مسابقه رو برای کجا طرح کرده بودن؟ آخر این هم شد سؤال مسابقه عمومی؟! این سؤالها را باید برای «آزمون انتخاب مدیر سازمان فرهنگ و ارشاد» و «مدیر سازمان میراث فرهنگی» بوشهر طرح کنن نه برای عوام‌الناسی مثل ما هم استانی‌های شما! خلاصه ما که اولش نفهمیدیم قضیه چیه ولی بعد با دیدن اسامی برنده‌ها و جوابهای صحیح عقل نامعقول به یه جاهایی قد داد! البته خدای نکرده، زبونم لال، روم به دیوار قصد توهین نیست‌ها. فقط حدس و نظر ماست. ان‌شاءالله که درست نباشد. چطور ده‌نمکی و قیصی‌زاده هر چی می‌خوان می‌نویسن ما ننویسیم.

اگر چه اونا با ما فرق می‌کنند ما یه پشت‌کوهی بدبخت و کم‌سواد. کی به نوشتهٔ ما محل می‌ذاره و چاپ می‌کند به قول سعدی:

شعر من و مرگ فقرا، ننگ بزرگان
این هر سه متاعی است که بازار ندارد

خلاصه، کل جوابهای درست به ظاهر حدود هفتاد تا بود.(تو این استان به این بزرگی) ولی وقتی دقت کردیم! حسن کیاده(۵)، درویشی (۴)، مشایخی (۴)، رفعت (۳)، فرامرزی ، زنگوئی، دباش‌زاده (۳)، علم‌بلادی، جمعه‌پور، چعبی و ... (۲). البته ما که علم غیب نداریم ولی با مقالهٔ کذائی آقای عبدالکریم مشایخی (پیشینهٔ تاریخی بوشهر) شک ورمون داشت که نکند طراح سؤال خودش بوده و اون چهار تا مشایخی هم برو بچه‌های عزیزشون (که ماشاءالله اطلاعات عمومی خوبی هم داشتن!). ادمه دیگه فکرش به همه جا می‌ره. یا نکنه اون زنده‌بودیها با او پیمان آقای زنده‌بودی نویسندهٔ مطلب هنری و یا اون سه زنگوئی با همون عبدالمجید زنگوئی نویسندهٔ گرانقدر و .. خیلی «یا»های دیگر. اصلاً به ما چه ربطی داره. ما که اصلاً جواب سؤالها را بلد نبودیم و تو مسابقه هم شرکت نکردیم. آخه عوام‌الناسی مثل ماها که حالا خیلی که خونده باشیم حداکثر لیسانس و فوق‌لیسانس داشته باشیم کجا این همه کتابهای: رومن گریشمن، احمدبن‌یحیی بلاذری، سرپرسی سایکس، واسموس و ویلم فلوز را یکجا خوانده‌ایم که تو این مسابقه شرکت کنیم؟! حال اگه یه روزی بگن ما سؤال طرح کنیم اونوقت چرا، شرکت می‌کنیم و به بروبچه‌ها هم یواشکی جوابها را می‌گیم!! یک تیر و دو شکار، هم تبلیغی برای نشریه‌مون می‌شه هم هدیه‌ای برای دوستان و بچه‌ها... مگه بده؟! اصلاً بی‌خیالش ما هم دلمون خوشه و بیکاریم که می‌شینیم انتقاد می‌کنیم از نحوهٔ طرح سؤالات. کی به این حرفها گوش می‌کند جای اینجور نامه‌ها ته سطل اشغال تحریریه است می‌گید نه می‌بینیم.

****

مدیران بی‌سواد، سدی برای توسعه

● جهانبخش عرب‌زاده ـ بندرگناوه

یکی از مدارهای توسعه هر کشوری نیروی انسانی می‌باشد، نیروی انسانی در سازمانها خود به دو دسته عمدهٔ فرودستان و فرادستان تقسیم می‌شوند. فرودستان همان کارگران جزء می‌باشند که در برابر فرادستان یا مدیران جوابگو می‌باشند و الزام به جوابگویی و ارائه گزارش دارند.

اما فرادستان و یا مدیران خود هر یک تعدادی کارگر یا کارمند جزء را در مجموعهٔ خود دارند و وظیفهٔ هدایت و رهبری آنها را بر عهده دارند. لازمهٔ کارگران جزء آشنائی با یک و گاهی چند کارتخصصی است. داشتن تخصص لازم در زمینه‌ای خاص می‌تواند موقعیت آنها را تا حدودی تضمین نماید. کارگران جزء،نیازی به تصمیم‌گیری ندارند اگر چه مشارکت آنها در امر تصمیم‌گیری گاهی مفید واقع می‌شود و می‌توان از خلاقیت آنها در راستای پیشرفت سازمان استفاده نمود.

اما در مورد مدیران و گردانندگان سازمان، تصمیم‌گیری یک اصل می‌باشد و اصولاً مدیریت جز تصمیم‌گیری نمی‌باشد، اگر کارکردهای اصلی مدیریت را برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل بنامیم، انجام هر یک از این کارکردها چیزی سوای تصمیم‌گیری نمی‌باشد. تصمیم‌گیری مدیریتی کاری نیست که از عهدهٔ هر شخصی براید، امروزه، با وجود محیطی که سازمانها را احاطه نموده تنها کسانی می‌توانند در میدان رقابت باقی بمانند که از هوش و زکاوت بالایی برخوردارند و هنر مدیریت را در خود داشته باشند و با اصول و علم مدیریت به عنوان لازمهٔ اصلی شغل خود آشنا باشند.

کسی که بر علم مدیریت تسلط دارد، روانشناسی می‌داند، با جامعه‌شناسی آشناست، بازاریابی، تولید و فروش و انبارداری را آموخته است و در کل از آموزشهای لازم جهت شغل مدیریت و اداره سازمانها برخوردار می‌باشد. اما بپردازیم به آنچه که هست و شاهد آن می‌باشیم، بسیار سازمانهایی را می‌شناسیم و قطعاً می‌شناسید که توسط مدیرانی ارائه می‌شوند که تنها نام مدیر را به یدک می‌کشند و اغلب مکتب خوانده‌های قدیم می‌باشند و یا اینکه جوانترها، مدرک خود را با هر دردسری که بوده گرفته‌اند و اصولاً دلیل انتخاب آنها جهت مدیریت، ضابطه‌ای خاص نبوده است. بلکه تنها رابطه‌ای بیش نیست و عموماً به این شکل است که شخص مالک خود نیز مدیر می‌باشد و یا اینکه مدیر، کسی جز فرزند یا یکی از آشنایان مالک نمی‌باشد و انتخاب وی در غالب اوقات بدون در نظر گرفتن توان علمی وی در انجام این شغل می‌باشد و این بی‌سوادی مدیران چیزی را جز هدر رفتن سرمایه‌های کلان به دنبال ندارد و بسیار شرکتها و سازمانهایی که چه زود از میدان رقابت خارج می‌شوند و در زیر غلتک بی‌رحم بازار اقتصادی له می‌شوند. اشکال دیگر در مدیریت، گما شتن افراد به کاری خارج از تخصص واقعی آنها می‌باشد، یعنی افراد شغلی را به دست می‌گیرند که نسبت به آن آشنائی‌های لازم را کسب ننموده‌اند. فرضاً کسی را که لیسانس معارف اسلامی دارد مدیر یک شرکت بیسکویت‌سازی شود و یا شخصی که مهندس شیمی است مدیر فروش مواد غذائی باشد با شخصی که هیچ از فروش، مذاکره و یا فوت و فن تبلیغات نمی‌داند و بالاتر از اینها کسی که مدیریت صنعتی خوانده است بیکار باشد. اگر دولت ما خواستار توسعه اقتصادی کشور می‌باشد، یکی از الزامات این توسعه همین مسئله مهم مدیریت می‌باشد و با اعتقاد بر این که «کار باید به کاردان سپرد» ادارهٔ امور شرکتها و رهبری آنها باید به مدیران لایقی که با علم روز مدیریت آشنا می‌باشند و بر آن تسلط دارند سپرده شود، تا شاهد راکد شدن سرمایه‌ها در کارخانجات از میدان بدر رفته نباشیم و اقتصاد بیمار کشور را رو به مرگ سوق ندهیم و گناه خود را در مورد آیندگانی که بخشی از منابع این مرز و بوم به آنها تعلق دارد بیشتر نکنیم. البته در دولت حاضر زمزمه‌هایی از اصلاحات در این زمینه به گوش می‌رسد که نوید بهبود این وضع نابسامان را همراه دارد. امید اینکه با همت و تلاش دولت خدمتگذار شاهد توسعه هر چه بیشتر در تمام زمینه‌های کشور به دست توانای مدیران لایق خود باشیم.

خلاصه اینکه...

فراموشی خاتمی در سازماندهی نیروها

● نشریه پیام‌هاجر که به تازگی بصورت هفتگی انتشار می‌یابد در آخرین شماره خود مصاحبه‌ای با مهندس لطف‌الله میثمی (مبارز فعال انقلاب) انجام داده است.

مهندس میثمی در گوشه‌ای از این مصاحبه گفته است: «آقای خاتمی آنقدر به قانون و قانونگرائی تکیه می‌کند که سازماندهی نیروهای جوان و نوجوان و زنان را فراموش کرده است. ۵ میلیون دانش‌آموزان به آقای خاتمی لبیک گفتند، سازمان ملی آنها دست کی است؟

سازمان ملی زنان دست کیست؟ بن‌بست قانونگرائی ایشان این است که به حرکت قانونگرائی توجه نمی‌کنند.»

به نظر مهندس میثمی آقای خاتمی پایه قانون اساسی را اصالت دهد نه قوانین مصوب را.

آزادی حجت‌الاسلام محسن سعیدزاده

● حجت‌الاسلام محسن سعیدزاده که توسط دادسرای ویژه روحانیت دستگیر شده بود پس از ۵ ماه بازداشت آزاد شد.

برهم خوردن سخنرانی محتشمی

● در اواخر هفته گذشته هنگامی که حجت‌الاسلام محتشمی که هم‌اکنون سمت مشاور ریاست جمهوری را نیز داراست قصد سخنرانی در مراسم افتتاحیه اردوی تشکیلاتی و سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم‌پزشکی تهران در مشهد را داشت با هجوم گروههای فشار روبرو شد که در نتیجه آن درگیری بین دانشجویان و گروههای فشار بوجود آمد. بالاخره پس از سخنرانی یکی از مهاجمین و بیرون کردن آنها توسط نیروی انتظامی، محتشمی به سخنرانی پرداخت. اعتراض این عده به سخنان محتشمی در دانشگاه اهواز بوده است.

محتشمی در قسمتی از آن سخنرانی گفته بود: «برای اولین بار در تاریخ ایران یک رئیس حکومت یا رئیس جمهور را که با پشتوانه ۲۰ میلیونی برای اولین بار از صدر اسلام یا بعد از حکومت علی‌بن‌ابیطالب یکبار دیگر وفاق ملی توی این کشور اتفاق افتاده است» وی همچنین در نقد عملکرد شورای نگهبان در انتخابات مجلس خبرگان گفته است که مقام معظم رهبری اعتقادشان این است که آنها اشتباه نکرده‌اند و آن گزارشاتی که خدمت مقام معظم رهبری داده‌اند، آنگونه هست که شاید در موازین و قوانین عمل کرده‌اند، ولی این دلیل نمی‌شود که بگوئیم شورای نگهبان در عملکرد خود اشتباه نکرده است. وقتی من مشاهده کردم که اشتباهاتی رخ داده است، خوب برای من مسلم است... علم و قطع من برای من حجت است ولو همه بگویند که این مسأله درست نیست. من به دیگری کار ندارم.

ایران ۲۰ برابر چین

● به گفته دبیر شورای عالی اطلاع رسانی دولت، مصرف مواد سوختی در ایران و چین با جمعیتی حدود ۲۰ برابر ایران، مساوی است.

دانشگاه فُکلی درست‌کن

● حجت‌الاسلام قرائتی در سخنان جدیدی گفته است که دانشگاه ما فُکلی درست‌کن است، انسان با قرآن انس پیدا نمی‌کند ولی قرآن را فراموش می‌کند.

تعطیلی جمعت دفاع از ارزشها

● جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی فعالیتهای خود را بطور موقت تعطیل کرد. حجت‌الاسلام ری‌شهری، حسینیان، رازینی و دکتر پورنجاتی و محمد شریعتمداری از اعضای هیئت مؤسس این جمعیت بودند. این انجمن در آستانه برگزاری پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی اعلام موجودیت کرد و در انتخابات مجلس و همچنین هفتمین دوره ریاست جمهوری مشارکت فعال داشت.

تحمل در آوردن دکتر سروش

● روزنامه اخبار از وزیر فرهنگ و آموزش عالی نقل کرده است که برگشت دکتر عبدالکریم سروش به دانشگاه، قدری تحمل می‌خواهد. دکتر معین این مطلب را در پاسخ به پرسش یک دانشجو در مشهد مبنی بر اینکه «در عصر تمدنها چرا سروش را به جمع دانشگاهها نمی‌آورید» بیان کرد.

تلاش برای تعطیلی روزنامه سلام؟!

● نشریه عصر ما در مطلبی تحت عنوان «تلاش برای بستن روزنامه سلام» خبر از فشار گروهی برای تعطیلی روزنامه سلام داده است. این هفته نامه گفته است: «اخیراً اخبار جدیدی نیز شنیده شده است که از ایجاد فشار بر هیئت نظارت بر مطبوعات جهت لغو امتیاز روزنامه سلام حکایت می‌کند. گفته میشود برخی از نهادهای قضائی و امنیتی کشور در این میان نقش جدی دارند و هر دو بر لزوم تعطیلی سلام تأکید می‌کنند.» به گفته این نشریه، این تلاش تاکنون با واکنش منفی هیئت نظارت بر مطبوعات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روبرو شده است.

عصر ما همچنین نوشته است: «تعطیل کردن روزنامه‌ای که از نظر فکری و سیاسی، بزرگترین جریان سیاسی ایدئولوژیک کشور را نمایندگی می‌کند، هزینه‌هایی دارد که بعید به نظر می‌رسد برخوردکنندگان، توان پرداخت آن را داشته باشند.»

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور

مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی‌زاده

مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنجاری

مدیر فنی: حسین ابوالحسنی

چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری ـ تلفن ۲۷۷۹۷

آدرس: بوشهر، روبروی استانداری

دفترهفته‌نامه نسیم جنوب

تلفن: ۳۳۴۴۶ صندوق پستی: ۱۱۹۹

● نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

● مطالب فرستاده شده بازگردانده نمی‌شود.

● مقالات درج شده با امضاء اشخاص، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست.